



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۴۸

دوشنبه ۷ مهر ۱۴۰۴، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

درباره اجرایی شدن "مکانیسم ماشه"
و پیامدهای آن

"مکانیسم ماشه" چیست؟

کاظم نیک خواه

صفحه ۲

جمهوری اسلامی در موقعیت باخت باخت

بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه پاسخ در کانال جدید

صفحه ۳

خیزش نسل زد علیه حکومت های فاسد

بر مبنای مصاحبه محسن ابراهیمی با برنامه گفتگو در کانال جدید

صفحه ۵

اتفاقاتی در متن و حاشیه هشتادمین

مجمع عمومی سازمان ملل

مهران مجبی

صفحه ۸

آلترناتیو راست، یا چپ؟

کاظم نیک خواه - پاسخ به یک سؤال

صفحه ۹

جنگ خارجی، سرکوب داخلی و اقتصاد رانتی

سیاوش مدرسی

صفحه ۱۰

معرفی کتاب

صفحه ۱۱

اطلاعیه های هفته اخیر

صفحه ۱۲

اجرایی شدن "مکانیسم ماشه" و بازگشت گسترده تحریم های بین المللی علیه جمهوری اسلامی، زندگی و معیشت مردم را با فشار مضاعف روبه رو خواهد کرد. سقوط آزاد ارزش ریال، تشدید تورم، گرانی، کمبود کالا و تنگنای معیشتی بیشتر از پیامدهای قطعی این وضعیت است. به علاوه تقابل نظامی و جنگی نیز بدون تردید در پی این بحران بسیار محتمل خواهد بود.

این در حالی است که شهروندان پیش تر نیز با گرانی بی سابقه، قطعی های مکرر آب و برق، اوضاع سخت و غیرقابل تحمل اقتصادی، دستمزدهای ناچیز، مشکلات زیست محیطی نظیر آلودگی هوا و فرونشست زمین دست و پنجه نرم می کردند. بازگشت تحریم ها نه تنها این مشکلات را تشدید خواهد کرد، بلکه مصائب تازه ای نیز به توده مردم تحمیل خواهد نمود.

همان گونه که بارها تأکید کرده ایم، مسئولیت مستقیم این وضعیت بر عهده جمهوری اسلامی است. این رژیم که موجودیت خود را با غرب ستیزی گریزده و همواره از آن به عنوان ابزاری برای سرکوب مردم ایران استفاده کرده است، اکنون به پایان راه رسیده است.

حاکمیت، با پافشاری بر برنامه های هسته ای و موشکی ای که ربطی به منافع مردم ندارد و برعکس در خدمت سرکوب مردم است، حاضر است زندگی و آینده شهروندان را قربانی مطامع جنگ طلبانه خود کند. در کمال بی شرمی اعلام می کنند که حفظ فضای جنگی بر کنار گذاشتن برنامه های هسته ای و موشکی ترجیح دارد، و این آشکارا نشان می دهد که حیات و امنیت مردم برای آنان هیچ ارزشی ندارد. مضافاً این که بخشی از حاکمیت که به "کاسبان تحریم" معروف اند، از بازگشت تحریم ها بیشترین بهره را خواهند برد.

پاسخ واقعی به این اوضاع فلاکت بار در دست مردم ایران است. مردمی که بارها عزم خود را برای سرنگونی رژیم نکبت بار اسلامی نشان داده اند. مردمی که اعلام کرده اند دشمن ما نه آمریکا که خود حکومت اسلامی است. مردمی که به خوبی می دانند انرژی هسته ای در دست جمهوری اسلامی تهدیدی برای جامعه و خطری برای بشریت است. مردمی که با هیچ کس سر جنگ ندارند و می خواهند روابط مسالمت آمیز با دولت ها داشته باشند.

سیاست ها و تنش های بین المللی جمهوری اسلامی به فاز بن بست و بحران نهایی خود وارد شده و بیش از پیش زندگی مردم را با تهدیدات جنگ و خطرات هر روزه موجه کرده است. تحریم ها و تهدید جنگ ریشه در سیاست های

ادامه در صفحه ۲

درباره اجرایی شدن "مکانیسم ماشه" و پیامدهای آن از صفحه نخست

هسته‌ای و موشکی رژیم و برای غنی‌سازی زندگی به مبارزه‌ای متحدانه دست زنند. مردم نباید تاوان بن‌بست جمهوری اسلامی و جنگ طلبی حکومت را بپردازند. ما نه جنگ می‌خواهیم و نه موشک و نه برنامه هسته‌ای. یکی از شعارهای محوری انقلاب ۱۴۰۱ "زندگی" بود که به ورطه نابودی کشیده شده است. نباید اجازه دهیم موجودیت و هستی مردم قربانی بقا و منافع این حکومت تبهکار و فاسد شود.

حزب همه مردم را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق برپایی اعتصابات سراسری، اعتراض‌های خیابانی، اعتراض در مراکز کار و تحصیل و گسترش بیشتر جنبش زن، زندگی، آزادی فرامی‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۴، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

غرب‌ستیزانه حکومت دارد و تا زمانی که این رژیم در قدرت باقی است، در معرض این خطرها خواهیم ماند. تنها راه رهایی از این وضعیت، سرنگونی رژیمی است که با چپاول، فساد و جنایت بر سر کار مانده است.

برای مردم ایران در مقابل همه بدبختی‌ها و مصائبی که این رژیم برای آن‌ها به بار آورده است، راه دیگری نیست جز اینکه متحدانه دست به اعتراض بزنند و انقلابی را که سال ۱۴۰۱ شروع کرده‌اند به سرمنزل مقصود برسانند.

حزب کمونیست کارگری مردم را فرامی‌خواند که علیه برنامه‌های

"مکانیسم ماشه" چیست؟

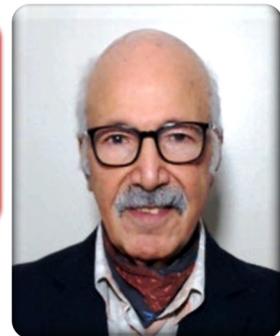
ملل از ۲۸ سپتامبر به جریان افتاد و تحریم‌ها در زمینه‌های مختلف بزودی به جریان خواهد افتاد.

کدام تحریم‌ها باز می‌گردد؟

تمام تحریم‌های مصوب سازمان ملل متحد، مندرج در شش قطعنامه ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹، مجدداً برقرار خواهد شد. این قطعنامه‌ها مجموعه‌ای گسترده از تحریم‌ها و محدودیت‌ها از برنامه هسته‌ای و موشکی تا نفت و پتروشیمی و حمل‌ونقل و بازرگانی و کشتیرانی و مالی و بانکی را در بر می‌گیرد. به‌علاوه بر اساس قطعنامه ۱۷۳۷ شمار زیادی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی در لیست تحریم‌های سازمان ملل قرار می‌گیرند. در قطعنامه‌های بعدی لیست شخصیت‌های مورد تحریم به شمار زیادی از شخصیت‌های مرتبط به انرژی هسته‌ای و وزارت دفاع و سپاه پاسداران و شرکت‌های وابسته به آن گسترش یافت.

همین ردیف کردن لیستی از تحریم‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های مندرج در قطعنامه‌های سازمان ملل بسیار مهم و حیاتی و گسترده است و کل اقتصاد جمهوری اسلامی را در تنگنای جدی قرار خواهد داد و امکان فعالیت اقتصادی و نظامی و امنی جمهوری اسلامی را به حد بسیار محدودی کاهش خواهد داد.

مردم در ایران وسیعاً خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و خلاص شدن از کل بحران‌ها و کشاکش‌ها و سرکوب‌ها و چپاولگری‌هایش هستند و در عین حال دود تحریم‌ها و کل این شرایط مستقیماً به چشم آنها می‌رود. همین اکنون دلار به بالای ۱۱۴ هزار تومان رسیده و این به معنای بارگرانی فوق‌العاده و بیش‌ازپیش همه کالاها بر معیشت فقیرانه بخش اعظم مردم است. فعال شدن مکانیسم ماشه فشار گرانی و فلاکت را بر مردم بسیار بیشتر خواهد کرد. برای مردم هم راهی جز انقلاب و به‌پاخاستن برای سرنگونی حکومت باقی نمی‌ماند. برای مردم دفاع از حداقل‌های زندگی لازمه‌اش ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و خیزش و مبارزه برای سرنگونی هرچه سریع‌تر جمهوری اسلامی است. مردم برای بقای خود به سرنگونی جمهوری اسلامی نیاز حیاتی دارند. این واقعیت شرایط سیاسی کنونی در ایران و وضعیت جمهوری اسلامی است.*



کازم نیک خواه

مکانیسم ماشه از روز یکشنبه این هفته به جریان افتاد. این به چه معناست؟ در این رابطه مطالب متعددی داشته‌ایم. اینجا بر اطلاعاتی در این مورد تأکید می‌کنیم.

در توافق "برجام" یا برنامه جامعه اقدام مشترک (Joint Comprehensive Plan of Action) که در سال ۲۰۱۵ میان دولت‌های عضو دائم شورای امنیت به همراه کشور آلمان (گروه موسوم به پنج به‌علاوه یک) با جمهوری اسلامی صورت گرفت یک بند گنجانده شده است تا مانع استفاده از حق وتوی کشورهای مثل روسیه و چین علیه بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل شود. این بند به هرکدام از کشورهای پنج به‌علاوه یک امکان می‌دهد که در صورت نارضایتی از سیاست جمهوری اسلامی در قبال مسئله اتمی، بدون رأی‌گیری خواهان بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل شوند. به عبارت دیگر اعمال مجدد تحریم‌ها نیاز به رأی‌گیری ندارد. اما شورای امنیت می‌تواند برای جلوگیری از آن به مصوبه‌ای علیه اعمال تحریم‌ها رأی مثبت دهد و مانع تحریم‌ها شود. اما چنین مصوبه‌ای خودبه‌خود محکوم به شکست است. چرا که فرض بر این است که یک یا چند عضو دائمی شورای امنیت طرفدار اعمال تحریم‌ها هستند. ماه گذشته سه کشور آلمان، فرانسه و بریتانیا مکانیسم ماشه را فعال کردند. استدلال آنها برای فعال کردن مکانیسم ماشه این بود که شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم در سطح بالایی را ادامه داده و با بازرسان سازمان انرژی اتمی جهانی همکاری نمی‌کند. دو هفته بعد از این تصمیم جمهوری اسلامی اعلام کرد که با این سازمان همکاری می‌کند و بازرسان می‌توانند به این کشور برای بازرسی سر بزنند. اما چون عملاً تاکنون چنین امکانی را فراهم نکرده، این سخنان کمی به جلوگیری از تحریم‌ها نکرده.

روز جمعه ۱۹ سپتامبر کره جنوبی برای ممانعت از شروع تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی لایحه‌ای را به شورای امنیت داد که تصویب شود. اما از ۱۵ عضو شورای امنیت فقط چهار کشور یعنی روسیه، چین، الجزیره، و پاکستان به آن رأی مثبت دادند و سه کشور عضو دائمی شورای امنیت به آن رأی مخالف دادند و از هشت کشور دیگر که عضو غیردائم هستند ۶ کشور رأی مخالف و دو کشور رأی ممتنع دادند. در نتیجه همان‌گونه که انتظار می‌رفت این لایحه شکست خورد. به این ترتیب تحریم‌های سازمان



جمهوری اسلامی در موقعیت باخت باخت

بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه پاسخ در کانال جدید

تسلیم مردم ایران. مردم ایران که جنگی با آمریکا ندارند و بارها اعلام کرده‌اند دشمن ما همین جاست. این تسلیم خامنه‌ای و کل رژیم است که تمام هویت خودش را ضدیت با شیطان بزرگ تعریف کرده است.

عامل دیگر که در همین برنامه پاسخ هم قبلاً درباره‌اش صحبت کردیم، این است که دارودسته حکومتی، مافیای اقتصادی که مراکز تولیدی و تجاری و صنعتی و واردات و صادرات و منابع و جنگل‌ها و معادن و نفت و غیره را در دست دارد حول همین آمریکاستیزی شکل گرفته است. بخش اعظم اقتصاد ایران در دست این کسبه تحریم است. اینها نه به دلایل صرفاً ایدئولوژیک و سیاسی که اشاره کردم، بلکه مهم‌تر به خاطر منافع مادی‌شان و به خاطر سلطه‌شان بر اقتصاد ایران به هیچ‌وجه تغییر این شرایط را نمی‌توانند بپذیرند. تعامل با آمریکا یعنی زیرورو شدن این شرایط و این به معنای از دست رفتن موقعیت اقتصادی مسلط اینها و ثروت‌های نجومی است که تماماً به یمن تحریم‌ها و رانت ارزی و بازار قاچاق و تفاوت نرخ ارز و غیره حاصل شده است. اینجا دیگر پای منافع مادی و اقتصادی مافیای حاکم در میان است.

اخیراً عراقچی، بعد از ملاقات یا گروسی در قاهره، ادعا کرد که رژیم فقط با بازدید آژانس از سایت بوشهر موافقت کرده است در حالی که گروسی اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی پذیرفته است که آژانس از همه سایت‌ها دیدن کند. به دنبال این روایت‌های متناقض مکرون نکته‌ای گفت که به نظرم واقعیتی را بیان می‌کرد. مکرون گفت عراقچی آمده بود مذاکره کند و به توافق برسد؛ اما حکومت اجازه نداد.

روشن است این حکومتی که اجازه نمی‌دهد نمی‌تواند خود خامنه‌ای باشد. عراقچی بدون اجازه خامنه‌ای نمی‌تواند اصلاً وارد مذاکره بشود چه برسد به اینکه بخواهد به توافقی برسد. تاج‌زاده، در مصاحبه‌ای بعد از نشست قاهره، این "حکومتی" که اجازه نمی‌دهد را این‌طور توصیف می‌کند: یک دولت پنهان داریم که اجازه نمی‌دهد آقا تصمیم بگیرد و جام زهر را بنوشد! نظر خیلی از دوزخ‌داده‌ها هم همین است. به عبارت دیگر دست یک دولت پنهان در کار است که حتی خامنه‌ای هم ناگزیر است به آن تمکین کند. این دولت پنهان در واقع همان دارودسته‌های مافیایی پرور شده در سایه تخاصم با غرب و آمریکا و اسرائیل هستند که بالاتر توضیح دادم. انعکاس این واقعیت را در سخنان اخیر خامنه‌ای هم مشاهده کردیم.

حسن صالحی: هم‌زمان با اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل خامنه‌ای در سخنانی یک بار دیگر بر ادامه غنی‌سازی و مضر- و بی‌فایده بودن مذاکره با آمریکا تأکید کرد. او گفت از ما می‌خواهند که تسلیم بشویم و اگر شرایط اینها را قبول کنیم شرفمان را از دست خواهیم داد. ارزیابی شما از این تحولات اخیر و سخنان خامنه‌ای چیست؟

حمید تقوایی: خامنه‌ای در مقاطع قبلی هم در دوره بعد از جنگ ۱۲ روزه بارها همین نوع مواضع را اعلام کرده بود. گرچه مدت‌ها قبل از جنگ خامنه‌ای گفته بود مذاکره عاقلانه و شرافتمندانه نیست، ولی به مذاکره غیرمستقیم رضایت داد و قبل از شروع جنگ عراقچی و ویتکاف شش دور مذاکره کردند. در آن دور مذاکرات جمهوری اسلامی شرایط آمریکا را قبول نکرد و با حمله نظامی اسرائیل مواجه شد و امروز هم همین خط را دنبال می‌کنند.

اساس مسئله از نظر من این است که رژیم از نظر استراتژیک و هویتی نمی‌تواند کوتاه بیاید. شرفی که خامنه‌ای نمی‌خواهد از دست بدهد شرف نظام و حکومتی است که از دید مردم بوی از شرافت نبرده است. غرب‌ستیزی برای حکومت امری حیثیتی و هویتی است و نمی‌تواند از آن دست بکشد. حکومتی که بندنافش را با مرگ بر شیطان بزرگ و نابودی اسرائیل بریده‌اند و بر این بستر خود را سرپا نگه داشته نمی‌تواند این خط را کنار بگذارد.

فراموش نکنیم که همیشه آمریکا و اسرائیل‌ستیزی اسلحه حکومت علیه مبارزات مردم بوده است. ابزاری بوده است برای سرکوب. این شعار حکومت که حجاب زنان مشیت محکمی بر دهان آمریکاست به طور نمادینی نشان می‌دهد که داستان چیست. ضدآمریکایی‌گری برای حکومت حیاتی است به خاطر اینکه بتواند هر اعتراضی را به معاندین و ایادی آمریکا و اسرائیل منسوب کند. خامنه‌ای بارها مردم ایران را بر این مبنا دشمن خطاب کرده است. گفتمان‌شان این است که رژیم دشمن غداری دارد به اسم آمریکا، و شورش‌های مردم یا به قول خودشان "غائله و فتنه" که بارها تا حد خیزش انفجاری علیه کل حکومت اوج گرفته، همه زیر سر آمریکاست. همه دیکتاتوری‌ها یک دشمن خارجی می‌تراشند که همین را بگویند. جمهوری اسلامی هم عیناً همین سیاست را دارد.

بنابراین، از نظر سیاسی و استراتژیک بسیار برای حکومت مشکل است که این خط و جهت‌گیری را کنار بگذارد. خامنه‌ای درست می‌گوید پذیرش شرایط غرب تسلیم خواهد بود منتهی تسلیم حکومت و نه

جمهوری اسلامی در موقعیت باخت‌باخت

از صفحه ۳

شعار فتح قدس از طریق کریلا یک معنی ایدئولوژیک ضد اسرائیلی دادند. بدون چنین تبلیغاتی نمی‌توانستند حتی حزب‌اللهی‌هایشان را هم به جبهه بفرستند.

می‌توان مطمئن بود که اگر شوراها شکل نمی‌گرفت و رژیم می‌توانست بعد از ورود خمینی جامعه را عرض چند هفته و یا چند ماه سرکوب و منکوب کند نیازی به تسخیر سفارت و آمریکا - اسرائیل‌ستیزی نداشت. ولی نتوانستند چنین کنند.

به این ترتیب غرب‌ستیزی، نه تنها در رابطه با صفوف حکومت و نیروهای سرکوبگرش، بلکه بر متن جنبش اسلام سیاسی که در منطقه شکل گرفت نیز به رژیم اجازه داد که خودش را سرپا نگاه دارد. به نظر من برای رژیم جنبه ایدئولوژیک - استراتژیک غرب‌ستیزی ظاهر و پوششی است برای حفظ و بقای خود در قدرت. نیروهای محور مقاومت هم اهرمی در جهت حفظ خود بود که امروز بسیار ضربه خورده است و کاربرد خودش را تقریباً تماماً از دست داده است. خودشان بارها گفته بودند حفظ رژیم اسد از حفظ خوزستان برای ما مهم‌تر است؛ چون سوریه سپر امنیتی ما است و ما را حفظ می‌کند؛ "ما" هم یعنی دولت و نظام ما. این استراتژی است که گرچه ضربات مهلکی خورده؛ ولی ناگزیرند همچنان به آن ادامه بدهند.

البته در شرایط حاضر ادامه این خط برای رژیم بسیار پر هزینه شده است. پزشک‌های در انتقاد از مخالفان مذاکره، می‌گویند "تصور نمی‌کنم با دعوا به جایی برسیم... حرف نمی‌زنی؟ نمی‌خواهی مذاکره کنی؟ خب می‌خواهی چه کار کنی؟ می‌خواهی بجنگی؟! خب آمد زد و رفت؛ الان برویم درست کنیم دوباره می‌آید می‌زند" و بخصوص اکنون که مکانیسم ماشه فعال شده این "می‌آید می‌زند" بسیار محتمل‌تر شده است.

این شرایط حکومت را در یک بن‌بست کامل قرار داده است. از یک سو گسترش تحریم‌ها به سطح بین‌المللی، هم حمله نظامی دیگری به ایران را بسیار محتمل‌تر می‌کند، هم انزوای جهانی رژیم و وضعیت اقتصادی آن را به مراتب وخیم‌تر و بحران‌زده‌تر از همیشه می‌کند، و هم مهم‌تر از همه، زمینه یک انفجار اجتماعی علیه شرایط معیشتی غیرقابل تحمل را بیش از پیش فراهم می‌آورد. از سوی دیگر هر نوع کوتاه آمدن و تلاش رژیم برای تعامل با دولت‌های تروئیکا و دولت آمریکا شرف نداشته‌اش را بر باد می‌دهد و پایه‌های ایدئولوژیک هویتی - حیثیتی آن راره می‌کند. این تغییر ریل نیز از سوی دیگری راه را برای تهاجم گسترده مردم باز می‌کند. از هر دو سو رژیم در یک موقعیت باخت‌باخت قرار گرفته است.

۵ مهر ۱۴۰۴، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵

شما بود که من می‌خواستم از زاویه دیگری هم به این مسئله نگاه کنیم. شما گفتید آمریکا ستیزی یک سلاح سرکوب بوده؛ اما باید اضافه کرد که در عین حال رژیم موقعیت منطقه‌ای جهانی‌اش را بر بستر همین غرب‌ستیزی به دست آورده است. آیا فکر نمی‌کنید اگر این‌ها تسلیم بشوند از این منظر هم بسیار تضعیف می‌شوند؛ یعنی موقعیتشان در میان نیروهای اسلامی در منطقه و کسانی که در هرحال به جمهوری اسلامی اتکالی داشتند را از دست خواهند داد؟

حمید تقوایی: این مسئله هم نهایتاً به موقعیت داخلی حکومت گره‌خورده است. این سؤال را جلوی خودمان بگذاریم که چرا جمهوری اسلامی از همان آغاز، یعنی از سال ۵۸ که سفارت آمریکا را تسخیر کرد، بر طبل مرگ بر آمریکا کوبید؟

نسل ما به یاد دارد که بعد از روی کار آمدن خمینی انقلاب ۵۷ تمام نشد. برعکس، تازه داشت رشد می‌کرد و چهره چپ و رادیکال خودش را نشان می‌داد. در دانشگاه‌ها، در ترکمن صحرا، در کردستان، در کارخانه‌ها همه جا شوراها تشکیل شده بود و در یک مقیاس توده‌ای مردم خواهان تحقق خواست‌های انسانی‌ای بودند که به خاطرش انقلاب کرده بودند. جمهوری اسلامی قادر به کنترل این شرایط نبود. برای عقب راندن مردم یکی از ترفندهای مهمش تسخیر سفارت آمریکا بود و بعد هم جنگ با عراق. جنگی که رژیم با شعار فتح قدس از طریق کریلا جنبه‌ای ضد اسرائیلی به آن داده بود. این دو فاکتور باعث شد که جمهوری اسلامی بتواند اولاً انقلاب ۵۷ را بکوبد و ثانیاً با همین اسلحه هر خیزش اعتراضی و انقلابی که علیه خودش شکل می‌گیرد را سرکوب کند. حکومتی که نمی‌توانست به نیازها و خواست‌های واقعی که مردم به خاطرش انقلاب کرده بودند جواب بدهد ناگزیر بود با یک سیاست و گفتمانی خودش را توجیه کند؛ هم برای طرف‌داران و نیروهای سرکوبگر خودش و هم برای متحدین منطقه‌ای خودش؛ و این توجیه مقابله با غرب و شیطان بزرگ بود. به این ترتیب این گفتمان که من نماینده مستضعفین در مقابل شیطان بزرگ هستم، می‌خواهم اسرائیل را به دریا بریزم و قدس را آزاد کنم و غیره تبدیل شد به ستون بقای رژیم در برابر جامعه‌ای که آن را نمی‌پذیرفت.

می‌خواهم بگویم آغاز و دلیل وجودی غرب‌ستیزی حکومت ادامه انقلاب ۵۷ بود. حتی همانطور که اشاره کردم به جنگ با عراق هم با

صدها میلیارد دلار را حکومت صرف تأسیسات اتمی و موشکی و نیروهای نیابتی کرد تا هم در منطقه جنایت کند هم در داخل علیه مردم قدرت‌نمایی کند. از نظر اقتصادی نیز این هزینه‌های نجومی حاصل زحمات! آقازاده‌ها و آیت‌الله‌ها و انگل‌های حاکم نبود. از سفره مردم دزدیدند و رمق زندگی مردم را کشیدند تا این مخارج و همین‌طور حقوق‌های نجومی و دزدی‌ها و هزینه مؤسسات مذهبی و سرکوب را تأمین کنند. اکنون هزینه بازسازی این تأسیسات نابود و تخریب‌شده را بار دیگر قرار است از سفره مردم تأمین کنند. باید جلواش ایستاد. اعلام کنیم که تمام این بودجه‌ها تا ریال آخرش باید قطع شود. کل بودجه باید صرف رفاه مردم شود. مردم نه موشک می‌خواهند نه نیروی نیابتی و نه تأسیسات اتمی و غنی‌سازی اورانیوم. مردم غنی‌سازی زندگی بر باد رفته‌شان را می‌خواهند. لغو این هزینه‌ها را به گفتمان‌ها و شعارها و بیانیه‌هایمان اضافه کنیم و اعلام کنیم: نه به غنی‌سازی اورانیوم. زنده باید غنی‌سازی زندگی!

غنی‌سازی زندگی، حق مسلم ماست

معیشت، منزلت، حق مسلم ماست



خیزش نسل زد علیه حکومت‌های فاسد بر مبنای مصاحبه محسن ابراهیمی با برنامه گفتگو در کانال جدید

شجاعت می‌آیند وسط میدان و آن‌چنان هم قدرتمند به میدان می‌آیند که دولت‌ها را وادار به استعفا و مقامات حاکم را مجبور به فرار می‌کنند.

جرقه اعتراض در سریلانکا اساساً وضعیت بد اقتصادی بود. به طور مشخص کمبود سوخت و ده ساعت خاموشی و کمبود غذا جرقه اعتراضات رازد. مخصوصاً با کمبود سوخت هزاران هزار انسان می‌ریزند بیرون و خیلی سریع حکومت را به‌زانو درمی‌آورند.

در بنگلادش جرقه اعتراض سهمیه‌بندی شغلی است. بنگلادش در ۱۹۷۱ به رهبری شیخ مجیب الرحمان از پاکستان استقلال پیدا کرد. دختر او، شیخ حسینه نخست‌وزیر بنگلادش به مدت بیست سال در قدرت بود. در بنگلادش قانونی تصویب می‌کنند که بر اساس آن سهمیه خیلی بالایی از پست‌های خدمات شهری اختصاص پیدا می‌کند به فرزندان و نوه‌های "مبارزان راه آزادی در جنگ استقلال" که مربوط به نزدیک ۶۰ سال پیش است. به یک معنی پارلمان و نهادهای حکومتی که ظاهراً انتخاب شده‌اند برای تأمین رفاه توده وسیع مردم، عملاً تجمع می‌کنند و برای خود حکومتی‌ها، به نفع فرزندان آنها کار می‌کنند که محصولش تولید آقازاده‌هایی است که مثل ایران با ماشین‌های آخرین سیستم و بسیار گران‌قیمت در خیابان‌ها و محلات اعیانی بنگلادش ویراژ می‌دهند. در همان بنگلادش، جوانان به‌خاطر اینکه بتوانند کرایه مسکن و معاش خانواده را تأمین کنند، مجبور می‌شوند در شیخ‌نشین‌های منطقه خلیج فارس با تحمل تحقیر و در وضعیت بسیار بد کار کنند.

در اندونزی کشته‌شدن یک بیک موتورسیکلت توسط پلیس، همچنین کمک‌هزینه مسکن برای نمایندگان پارلمان - که ظاهراً انتخاب شده‌اند به وضع مردم برسند - کمک‌هزینه‌ای که ده‌ها بار بیشتر از حداقل دستمزد کارگران است، جرقه اعتراض می‌شود.

در نپال، قطع اینترنت، قطع فیس بوک واتساپ و یوتیوب و غیره جرقه اعتراض می‌شود. وقتی این اتفاق می‌افتد جوان‌ها فوراً برای اعتراض می‌ریزند بیرون. وقتی با همین جوان‌ها در خیابان‌ها گفتگو می‌شود، اکثرشان می‌گفتند که مسئله قطع پلتفرم‌ها مدیای اجتماعی فقط یک جرقه است. جوانان به فقر و گرانی و فساد و فاصله فاحش طبقاتی به‌عنوان علت اعتراضشان اشاره می‌کردند. شرایطی که یک اقلیت میلیاردی - مثل ایران -

سیما بهاری: اوائل شهریورماه امسال، فضای سیاسی در نپال دستخوش تغییرات اساسی شد. یکی از معترضان نپالی در گفتگو با بی‌بی‌سی می‌گوید که ممنوعیت رسانه‌های اجتماعی دلیلی برای تجمع معترضان بوده، اما تمرکز واقعی بر فساد گسترده بوده است. اینها کلمات آشنا و فضای آشنایی برای ما هستند. البته معترضان از جمله خواهان استعفای نخست‌وزیر و ایجاد نهاد نظارتی مثل نهاد بازرسی ویژه برای نظارت بر فساد در نپال هم بودند.

در اندونزی در ماه آگوست تقریباً با همین مسئله روبه‌رو بودیم. به‌خاطر افزایش بیکاری و مشکلات اقتصادی، در مخالفت با امتیازات مالی ویژه برای نمایندگان پارلمان اندونزی، اعتراضات گسترده‌ای سازمان داده می‌شود. در بنگلادش و سریلانکا هم ما شاهد اعتراضات مردم و خشونت متقابل دولت بودیم.

با چه فضایی واقعاً روبه‌رو هستیم؟ اعتراضات عمدتاً بر سر چیست؟ در این کشورها چه اتفاقاتی دارد رخ می‌دهد؟ وجوه مشترک این خیزش‌ها چه‌ها هستند؟ محسن ابراهیمی به سؤالات ما پاسخ می‌دهد.

طبعاً در وقت کوتاهی که داریم، نمی‌توان به همه جوانب این همه مسائلی که در مقدمه ردیف کردم پاسخ داد. منتهی همه اتفاقات وجوه مشترکی دارند. به‌خصوص فضای اعتراضات در ایران برایمان تداعی می‌شود. می‌توانیم روی چارچوب معین و محدودی حول این مسائل صحبت کنیم و سعی کنیم که به یک نتیجه برسیم.

اجازه بدهید از اینجا شروع کنیم. خیلی کوتاه و مختصر توضیح بدهید که اعتراضات عمدتاً بر سر چه مسائلی است و چه وجوه مشترکی دارند؟

محسن ابراهیمی: برای اینکه یک تصویر عمومی درباره شباهت اتفاقاتی که در همین چهار کشور رخ دادند بدهم، ضروری است اول به چند نکته اشاره کنم.

اولین نکته جرقه اعتراضات در این کشورها است. اینکه از کجا شروع می‌شوند که موضوع جالبی است. با چه بهانه‌ای مردم یک‌دفعه در مقیاس ده‌ها هزار نفره می‌ریزند به خیابان‌ها و میدان‌ها را می‌گیرند و حتی کاخ‌ها و مراکز حکومتی را آتش می‌زنند. بعداً باید پرداخت به اینکه مطالباتشان عموماً چه‌ها هستند که تشابهات زیادی دارند و بالاخره نیروی اصلی که اعتراض می‌کند. کدام نیروها در جامعه هستند که با

خیزش نسل زد علیه حکومت‌های فاسد

از صفحه ۵

می‌چاپند؛ اما جمعیتی که محصول و ثروت و امکانات زندگی را تولید می‌کنند خود در وضعیتی فلاکت‌بار زندگی می‌کنند. در همه اعتراضات در این کشورها، خشم تلنبار شده مردم علیه فقر و فساد و خاندان‌های فاسد مسئله اصلی است. همه این کشورها هر کدام یک، هزار فامیل فاسد دارند. مثل جمهوری اسلامی این هزار فامیل، چپاولگران اصلی هستند و کل طبقه سرمایه‌دار هم حول آنها چیده شده‌اند. می‌بینیم که جرقه‌ها متفاوت بودند؛ ولی کاملاً معلوم بود که اعتراضات علیه فساد و فقر و حکام فاسد است.

مطالبات چه‌ها بودند؟ باتوجه به توضیحاتی که بالاتر دادم، باتوجه به اظهارات خود جوانان معترض، مطالبات اساساً علیه فساد، علیه فاصله طبقاتی، علیه آقازاده‌پروری در آن کشورها، علیه بیکاری، تورم، علیه پاسخگو نبودن سیاست‌مداران و دستگاه پلیس و ارتش و کلاً دستگاه سرکوب حکومت‌ها بود. خواست جوانان خیلی روشن بود. اینکه در این کشورها مقامات حاکم فاسدند، همه باید بروند و خود مردم، خود جوانان

سرزودت خود را به دست بگیرند.

سیما بهاری: اجازه بدهید

اینجا راجع به دستاوردها بپرسیم. در عکس‌ها می‌بینیم دریایی از جمعیت در خیابان هستند. سؤال این است که دستاورد اعتراضات چه‌ها بودند و معترضین تا چه اندازه به خواستشان، به مطالباتشان توانستند برسند؟

محسن ابراهیمی: در

پاسخ به سؤال اول یادم رفت در رابطه با نیروی اصلی معترضین که در عنوان این

برنامه به آن اشاره شده است؛ یعنی نسل زد صحبت کنم. در همه این کشورها بخش اعظم معترضین متعلق به نسلی است که سنشان بین ۲۰ تا ۲۵ سالگی است. این‌ها جوانانی هستند که اکثرشان تحصیل کرده‌اند. بخش زیادی هم شاید تحصیل کرده نیستند، ولی اکثرشان بیکار هستند و همچنان که گفتم می‌روند در کشورهای مختلف با وضعیت خیلی بد کار می‌کنند. این نسل اساساً با آن جرقه‌های که درباره‌اش صحبت کردیم می‌ریزد بیرون. البته در کنار این نسل بخش زیادی از جمعیت معترض هم که به انواع مختلف تحت ستم و تبعیض هستند حضور دارند که در نتیجه نیروی بسیار گسترده‌ای شکل می‌گیرد که با قدرت می‌توانند حکومت‌هایی که بعضاً ۱۰ تا ۲۰ سال با مشت آهنین سرکار مانده‌اند را پایین بکشند.

در رابطه با سؤال دستاوردها و نتایج این اعتراضات، از بنگلادش شروع کنیم. در بنگلادش، همچنان که گفته شد، شیخ حسینیه و کلاً یک خاندان فاسد تحت رهبری او مدت‌ها حکومت می‌کردند. اعتراضات علیه این خاندان و حکومتشان آن‌چنان قدرتمند بود که او مجبور شد به هندوستان فرار کند. این بسیار مهم بود. صحنه‌های جالبی را مشاهده کردیم که جوان‌های تحت ستم و معترض ریخته بودند به کاخ شیخ

حسینیه، عده‌ای در استخرش شنا می‌کردند؛ عده‌ای رفته بودند روی تخت او دراز کشیده بودند و از همه این‌ها عکس می‌گرفتند و به این طریق در واقع می‌خواستند نشان دهند که چقدر فاصله طبقاتی میان طبقه حاکم، الیت حاکم سرمایه‌دار از یکطرف و اکثریت مردم از طرف دیگر، این جوانان را متنفر کرده است. وقتی شیخ حسینیه فرار کرد، یک اقتصاددان برنده جایزه نوبل را آوردند که به اصطلاح در "دولت موقت و دوران گذار" نقش ایفا کند تا بعداً انتخابات پارلمانی را پیش ببرد و این دوره را به سرانجام برساند. می‌خواهم در یک جمله بگویم که خود جوان‌ها، خود مردم تهدیدست معترض، خود آن انسان‌هایی که آمده بودند با شجاعت تمام با نیروهای سرکوبگر مقابله کرده بودند، خودشان در شکل‌گیری قدرت سیاسی بعدی دخیل نشدند. مثل همیشه، وقتی قیام یا خیزشی رخ می‌دهد، معمولاً "دوره گذار" راه می‌اندازند که در آن معمولاً بخشی از مقامات قبلی دخیل هستند و معمولاً از طریق همین "دوره گذار" موقعیت نظام سابق را دوباره و معمولاً با مقاماتی از همان نظام سابق بازسازی می‌کنند و نهایتاً خود مردم معترض در قدرت سیاسی نمایندگی نمی‌شوند.

در رابطه با اندونزی، بعد از کشته شدن یک جوان پیک موتوری توسط پلیس که بخش زیادی از جوانان در همین شغل پیک موتوری مشغول‌اند

تا زندگی‌شان را تأمین کنند، اعتراض آن‌چنان قدرتمند بود که فوراً مقامات پلیس و رئیس‌جمهور از مردم عذرخواهی می‌کنند و قول می‌دهند موضوع را پیگیری خواهند کرد و همچنین، کمک‌هزینه‌های مسکن برای نمایندگان پارلمان که اکثرشان در مسکن‌هایی مثل کاخ زندگی می‌کنند را لغو کردند. معترضین توانستند به خواسته‌های اولیه‌شان برسند. ولی در اندونزی هم یک حزب انقلابی، یک نیروی سیاسی یا سازمانی که

کمک کند جوانان و مردم معترض در قدرت سیاسی که قرار است شکل بگیرد نمایندگی شوند وجود نداشت و بالتبع مثل کشورهای دیگر، از بالای سر مردم معترض تحولات بعدی را رقم زدند و عملاً دست معترضین از قدرت سیاسی و اعمال اراده سیاسی کوتاه ماند.

اعتراضات نپال خیلی قدرتمند بود. واقعاً عظیم بود. آن‌چنان عظیم که دولت نپال مجبور شد فوراً ممنوعیت پلتفرم‌های مدیای اجتماعی را پس بگیرد. نخست‌وزیر استعفا داد و رئیس سابق دیوان عالی نپال، به عنوان نخست‌وزیر موقت سوگند یاد کرد تا انتخابات بعدی را تدارک ببیند. در نپال وزیر دارایی را تا رودخانه و داخل رودخانه هنگام فرار دنبال کردند و جالب است که در اغلب این کشورها، مردم به نهادهای اصلی ساختار دولت مانند پارلمان، نخست‌وزیری‌ها و وزارت‌خانه‌ها حمله کردند. کاملاً معلوم بود که مردم معترض می‌دانند که ساختار اصلی حکومت‌ها و طبقه حاکم از چه کانال‌ها و نهادهایی دارند بر مردم حکومت می‌کنند و به همان نهادها حمله کردند. در نپال کل ساختمان مجلس را آتش زدند.

در سریلانکا، دولت فوراً سقوط کرد. ۲۶ وزیر همگی استعفا دادند. مردم به دنبال آن‌ها بودند و اقامتگاه نخست‌وزیر و کاخ را تصرف کردند و خاندان فاسد راجاپاکسا در رأس الیت حاکم، در رأس هزار فامیل حاکم را جارو کردند. ولی تعداد



خیزش نسل زد علیه حکومت‌های فاسد

از صفحه ۶

نیستند. البته بعضاً احزاب اسلامی دارند. برای نمونه، در بنگلادش «حزب جماعت اسلامی» در برابر «حزب عوامی لیگ» قرار دارد و این دو با یکدیگر رقابت می‌کنند. حزب جماعت اسلامی نیز مانند اخوان المسلمین مصر تلاش بسیاری کرد که از این شرایط بهره‌برداری کند، زیرا یک حزب سیاسی است و آماده‌تر برای استفاده از فرصت‌ها. می‌خواهم بگویم که در این کشورها شعارهای ضد مذهبی نبود؛ اما در ایران شعارهای ضد مذهبی در ابعاد وسیع رایج هستند و این تفاوتی بسیار مهم است.

اما تا آنجا که به پرسش اصلی برمی‌گردد، چرا با وجود این همه اعتراضات گسترده، با حضور توده‌های وسیع، با شعارهای رادیکال و روش‌های تعرضی، نتیجه نهایی به دست نمی‌آید؟ در همه این اعتراضات، به کاخ‌ها، مراکز قانون‌گذاری، قضایی و پلیس حمله شد؛ اما نهایتاً گل ساختار سیاسی و نظام تماماً زیرورو نشد.

وقتی می‌گوییم نتیجه‌ای به دست نمی‌آید، یعنی ساختار سیاسی به طور کامل نابود نمی‌شود. رئیس‌جمهور فرار می‌کند، نخست‌وزیر استعفا می‌دهد و نمایندگان پارلمان کناره‌گیری می‌کنند. همه این اتفاقات می‌افتند. اما مردم خاندان‌های فاسد، الیت حاکم و اطرافیانش را از در بیرون می‌کنند و اما آنها از پنجره بازمی‌گردند. چرا؟ چون آن جنبش‌ها از حضور یک حزب انقلابی محروم هستند که دو هدف اصلی داشته باشد: یکی خنثی‌سازی توطئه‌های نظام حاکم که همواره در برابر اعتراض مردم شکل می‌گیرد؛ دوم جلوگیری از تلاش حکومت برای ادامه امتیازات خود در اشکال جدید با تغییراتی در چهره‌ها. مسئله اساسی این است که در این اعتراضات، حزبی انقلابی نقش نداشت که با برنامه‌ای روشن و شفاف در صحنه باشد و وقتی حکومت ساقط می‌شود، نهادهای حکومتی ویران می‌شوند و چنگال حکومت از گوی مردم کنار زده می‌شود، چنین حزبی کمک کند خود مردم به قدرت برسند، قانون‌گذاری کنند، انتخابات برگزار کنند و اوضاع را در جهت تحقق اعمال اراده و حاکمیت توسط مردم بر سرنوشت سیاسی، اقتصادی و زندگی خود به سرانجام برسانند.

واقعیت این است که در این کشورها چنین حزب سیاسی انقلابی که هدفش به قدرت رساندن مردم باشد وجود ندارد. حزبی که هدفش زیرورو کردن بنیادهای اقتصادی جامعه، یعنی دست بردن به ریشه، یعنی پایان دادن به دولت طبقاتی، نظام طبقاتی و فاصله طبقاتی باشد که ریشه تبعیضات دیگر و ریشه فساد است.

جوان‌های معترض خودشان این فاصله فاحش طبقاتی را خوب می‌شناسند و در اظهاراتشان هم این را بیان می‌کنند. در شعارهایشان هم همین منعکس است. اما علی‌رغم این آگاهی، و در فقدان یک حزب انقلابی، معمولاً در بهترین حالت احزاب سیاسی اپوزیسیون حو حاضر که هدفشان تغییرات اساسی نیست به قدرت می‌رسند و در فاصله‌ای کوتاه، دوباره همان جوانان معترض زندانی می‌شوند، دوباره همان مقامات و همان پلیس سابق در اشکال جدید به میدان می‌آیند و همان فساد سابق در قالب‌های تازه تکرار می‌شود.

همه تجربه‌های اعتراضی نشان می‌دهند که در فقدان یک حزب سیاسی انقلابی، اعتراضات در عین حقانیت و ضرورتشان قادر به تحقق اهداف بنیادی‌شان نیستند. به نظرم، اگر در گوشه‌ای از جهان یک قیام، یک انقلاب با رهبری یک حزب سیاسی - حزبی که دست به ریشه می‌برد - به سرانجام پیروزمند برسد، می‌تواند به‌مثابه یک الگو، یک تجربه موفق در شکل گرفتن احزاب سیاسی انقلابی نقش مؤثر ایفا کند. احزابی که خواهند توانست در رهایی مردم تحت ستم از حکومت‌های فاسد طبقاتی، در نجات مردم به‌پاخاسته نقش تعیین‌کننده ایفا کنند.*

زیادی از مقامات سابق همچنان سرکار هستند. رئیس‌جمهور فرار کرد؛ اما نخست‌وزیر سابق همان نظام، اوضاع را به دستش گرفت. باز هم مردم معترض به‌خاطر محرومیت از یک حزب سیاسی و ساختار سازمانی، بعد از پیروزی‌های اولیه در مقابل حکومت‌هایی که سال‌ها این مردم را چاپیده‌اند، در قدرت سیاسی بعدی نمایندگی نشدند.

در تمام این کشورها نقاط اشتراک زیادی وجود داشت. اعتراضات آن‌چنان قدرتمند بود که مقامات فاسد علی‌رغم سرکوب پلیسی. مجبور شدند فرار کنند. قیام نپال فقط ده ساعت طول کشید. قیام ده‌ساعته‌ای که در نتیجه‌اش رئیس‌جمهور فرار کرد. ولی با تمام عظمت و گستردگی، شور و حرارت و آگاهی و خواست و هدف روشن، این جنبش‌ها و خیزش‌ها نتوانستند نهایتاً آن سیستم و نظام را کاملاً فروپاشند و خودشان به قدرت برسند. نتوانستند ساختار اصلی حکومت را نابود کنند و خودشان به قدرت برسند. نتوانستند به فساد و تهیدستی و تورم و تباهی و بیکاری و فاصله طبقاتی و سلطه آقازاده‌ها بر جوانان تهیدست، سلطه اقلیت میلیاردی بر جامعه پایان دهند. جالب است که در جریان اعتراضات نپال هشتک #Nep_Kids که اشاره به همان آقازاده‌ها در مقابل جوانان تهیدست و محروم است برای اعتراض به فاصله طبقاتی رواج داشت.

سیمای بهاری: شما به نکاتی اشاره کردید. فکر می‌کنم خوب است کمی بیشتر آنها را باز کنید و بیشتر درباره این موضوع صحبت کنید. درباره این چهار خیزش که اشاره کردید، همه‌جا می‌بینیم نسل زد گویی که دنیا را بر سرشان گذاشته‌اند و آشکار است که نمی‌خواهند این وضعیت جاری ادامه پیدا کند. اتفاقات بسیار خوبی رخ داده است. می‌گویید در نپال در ده ساعت این اتفاقات رخ داده است. در ایران هم سال‌هاست می‌خواهیم نظام سقوط کند و قدرت از دستش خارج شود و سال‌هاست مردم برای رسیدن به این هدف مبارزه می‌کنند. در کشورهایی که اشاره کردید، خیزش‌ها بسیار قدرتمندند و پیروزی‌های اولیه سیاسی را به دست آورده‌اند. اما بعد از مدتی معلوم می‌شود که کلیت نظام سر جایش هست. شما به دوره‌های گذار اشاره کردید که می‌بینیم بسیاری از عناصر خود حکومت هنوز سرکار هستند، قدرت دستشان است و به‌هرحال نقش تعیین‌کننده دارند. درباره این موضوع کمی بیشتر صحبت کنید. شما همچنین به نبود یک حزب سیاسی که مردم را نمایندگی کند اشاره کردید. به نظرم خوب است در این مورد بیشتر توضیح دهید.

محسن ابراهیمی: این موضوع مهمی است و باید به جوانب مختلف آن پرداخته شود. پیش از آن اما می‌خواهم جهت مقایسه اشاره‌ای بین ایران و این کشورها بکنم. جالب است در ایران هم خیزش «زن، زندگی، آزادی» شباهت‌های بسیاری به خیزش‌ها و اعتراضات علیه فساد در این کشورها دارد. در ایران هم جوانان نقش برجسته‌ای ایفا کردند. اما اعتراضات در ایران با اعتراضات در این کشورها دو تفاوت اساسی دارد.

تفاوت نخست این است که در ایران زنان پیشروی اعتراضات بودند و هستند. در دیگر کشورها نیز زنان و دختران نقش داشتند، اما به‌هیچ‌عنوان قابل‌مقایسه با ایران نیستند. دلیل آن نیز روشن است: وجود حکومت مذهبی در ایران که حجاب اجباری یکی از ارکان اصلی دولت‌مداری و حکومتش است.

تفاوت دوم نیز مسئله مذهب است. در هیچ‌یک از این کشورها در اعتراضات شعار ضد مذهبی وجود ندارد. شعارهای بسیاری علیه فساد و مسائل دیگر وجود دارد، اما شعار ضد مذهبی دیده نمی‌شود. دلیل آن نیز روشن است: دولت‌ها و حکومت‌های این کشورها رسماً مذهبی یا اسلامی

اتفاقاتی در متن و حاشیه هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل

مهران محبی

شروع مجمع عمومی سازمان ملل پیمان امنیتی مشترکی را امضا کردند که بیشتر از آنکه برای پیشگیری از نقض قوانین بین‌المللی توسط اسرائیل باشد - مانند آنچه که نسبت به قطر انجام داد و به مقرر تروریست‌های حماس حمله نظامی کرد - برای حفظ امنیت خود در برابر اقدامات تروریستی و حملات جمهوری اسلامی در واکنش به حملات نظامی اسرائیل و آمریکا علیه خود بر سر موضوعات هسته‌ای و موشکی و حمایت از تروریست‌های اسلامی است.

در مجموع می‌شود گفت که حاصل سیاسی هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، فشار جهانی و به‌ویژه کشورهای اروپایی بر دولت اسرائیل و ترامپ به‌عنوان حامی پاک‌سازی قومی و جنایت جنگی ننانیاهو علیه مردم غزه بود - هرچند بیشترشان همچنان خود را حامی اسرائیل می‌دانند - و همچنین انعقاد پیمان‌های جدید امنیتی و تحکیم پیمان‌ها و وعده‌های امنیتی پیشین منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ماجراجویی‌ها و جنگ‌افروزی‌های جمهوری اسلامی و تصویر شدن انزوای حکومت اسلامی در یک قاب قابل‌رؤیت برای هر انسانی در هر گوشه‌ای از جهان بود.

جدا از فشارهای پی‌سابقه‌ای که بر جمهوری اسلامی وارد آمد و یک انزوای مطلق بین‌المللی و درماندگی محض در رابطه با موضوعات مورد مناقشه‌اش با غرب و آمریکا برایش رقم خورد، دیگر اتفاقی که هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل را با نشست‌های پیشین طی هشتاد سال گذشته متفاوت کرد، تغییر نگرش دولت‌های عضو آن نسبت به مردم فلسطین و به‌طور مشخص به مردم غزه و جنایاتی که توسط اسرائیل علیه‌شان انجام می‌گیرد و اقدام سیاسی گسترده دولت‌ها علیه اسرائیل است که غیرمستقیم دولت ترامپ را هم شامل می‌شود.

فشارها علیه جمهوری اسلامی و رسوایی کم‌سابقه‌ای که نصیب جمهوری اسلامی شد قابل‌انتظار بود. پزشک‌یکان مثل همیشه که در مجامع بین‌المللی درماندگی و استیصال رژیمش را نمایندگی می‌کند، در هشتادمین نشست سالانه سازمان ملل هم همین وظیفه را داشت و به نمایش گذاشت و نتوانست هیچ کاری برای به تعویق انداختن فعال‌سازی مکانیسم ماشه انجام دهد. اما به‌رسمیت‌شناسی کشور فلسطینی و حمایت از طرح دو کشوری توسط کشورهای مهم اروپایی و کانادا و استرالیا نشان داد که اعتراضات مردم جوامع پیشرفته علیه مداخلات دولت‌هایشان با دولت اسرائیل می‌تواند حکومت‌ها را حداقل ناچار به تغییر رویکرد و اقدام سیاسی نسبت به اسرائیل و ترامپ حامی آن کند.

آنچه که در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل و در حاشیه آن در سطح بین‌المللی به نفع مردم فلسطین و پایان نسل‌کشی و خونریزی در غزه از طریق به‌رسمیت‌شناسی کشور مستقل فلسطین اتفاق افتاد را باید به حساب مبارزات متحدانه مردم متمدن و انسان‌دوست جهان علیه نسل‌کشی. در غزه و دست‌درازی تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی اسرائیل بر زندگی و جان آن مردم دانست. مردمی که در روزهای اخیر شهرهای بزرگ جهان را به صحنه ای برای ابراز مخالفت آشکار خود با نسل‌کشی که در غزه در جریان است و علیه دولت اسرائیل تبدیل کردند. این انسان‌های شریف بار دیگر امید به کمپ انسانیت و بشریت متمدن را در دل‌های جهانیان زنده کردند.*

یک روز قبل از شروع اجلاس سالانه سازمان ملل در نیویورک، بریتانیا، کانادا و استرالیا و پرتغال کشور مستقل فلسطین را به رسمیت شناختند و به دنبال آن در صحن مجمع عمومی سازمان ملل، فرانسه، بلژیک و لوکزامبورگ و مالت و چند کشور دیگر با اعلام به‌رسمیت‌شناسی کشور فلسطین آمار مدافعان تشکیل کشور فلسطین در میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل را به ۱۵۱ کشور افزایش دادند.

این اقدامات فشرده کشورهای عضو سازمان ملل برای به‌رسمیت‌شناختن کشور مستقل فلسطین در حاشیه و متن هشتادمین نشست سالانه سازمان ملل، به دنبال سیر به‌رسمیت‌شناختن فلسطین طی مدت دو سال، از زمان حمله تروریستی حماس به اسرائیل و جنایات و پاک‌سازی قومی آن در غزه صورت‌گرفته است. این به‌رسمیت‌شناختن‌ها گامی مثبت در راستای پایان دادن به جنگ و کشتار مردم غزه توسط دولت اسرائیل است. جنایاتی وحشیانه که به بهانه ازین‌بردن تروریست‌های حماس بی‌امان انجام گرفته و همچنان ادامه دارد.

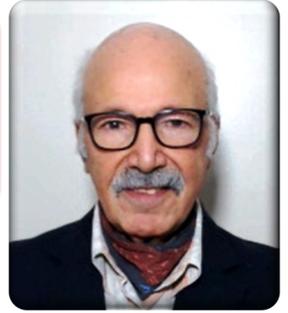
امروز حدود دو میلیون انسان بی‌دفاع غزه قربانی یک جنگ ارتجاعی میان دو جریان تروریستی اسلامی به سرکردگی جمهوری اسلامی و تروریسم دولت راست‌گرا و نژادپرست اسرائیل است. تنها راه خلاصی این مردم از جهنمی که در آن گرفتار شده‌اند، تشکیل کشور مستقل فلسطین در کنار کشور اسرائیل است. روندی که از دو سال پیش با به رسمیت شناخته‌شدن کشور فلسطین شروع شده و همچنان در جریان است می‌تواند هم دست جمهوری اسلامی و تروریسم وابسته‌اش را از دخالت در فلسطین و در سرنوشت مردمش و هم دست دولت اسرائیل برای اجرای طرح "اسرائیل بزرگ" از طریق الحاق مناطق فلسطینی‌نشین به سرزمین تحت حاکمیت فعلی خود را قطع کند. این اتفاق همچنین می‌تواند در نهایت به یک دشمنی دیرینه و فاجعه‌کنونی پایان دهد.

اتفاق دیگر این بود که بعد از گذشت ۶۰ سال از انزوای بین‌المللی سوریه، احمد الشرع رئیس دولت موقت در اجلاس سالانه سازمان ملل حضور پیدا می‌کند و در حاشیه آن مورد استقبال ترامپ قرار گیرد و قرار است ننانیاهو با او و با میانجی‌گری ترامپ یک پیمان امنیتی را امضا کند. بنا بر گزارش چند روز پیش آکسیوس، دولت اسرائیل چند هفته قبل این طرح امنیتی را به دولت موقت سوریه پیشنهاد داده است که یکی از مفاد آن حفظ کریدور هوایی از طریق سوریه به ایران برای سهولت در انجام حملات احتمالی اسرائیل به جمهوری اسلامی است. به این ترتیب سوریه که تا یک سال پیش پایگاه و محل استقرار اصلی سپاه قدس و کریدور انتقال نیرو و جنگ‌افزار و پول به تروریست‌های حماس و حزب‌الله و غیره بوده حالا نه‌تنها به‌طورکلی از نفوذ جمهوری اسلامی خارج شده، بلکه قرار است به متحد دشمن اصلی‌اش تبدیل شود. از دست رفتن سوریه برای جمهوری اسلامی دیگر تنها یک شکست استراتژیکی نیست، بلکه در شرایط پیش رو می‌تواند تهدیدی جدید برای موجودیتش باشد.

ترامپ هم بعد از سخنرانی‌اش در سازمان ملل به‌طور جمعی با سران دولت‌های عربی و اسلامی غیر از جمهوری اسلامی دیدار کرد که حتماً موضوع "امنیت" منطقه‌ای و مقابله با خطر جمهوری اسلامی از رئوس آن دیدار بوده است. پاکستان و عربستان سعودی نیز چند روز قبل از

آلترناتیو راست، یا چپ؟

کاظم نیکخواه - پاسخ به یک سؤال



دوست عزیز از ایران پرسیده‌اند: آلترناتیو راست یا چپ، کدام را در چشم‌انداز می‌بینید؟

کاظم نیکخواه: سؤال مهم و قابل توجهی است. دوست عزیز برای اینکه بدانیم کدام آلترناتیو در چشم‌انداز جامعه قرار دارد، باید اول ببینیم راست و چپ یعنی چه و از کدام راست و کدام چپ صحبت می‌کنیم و جامعه نسبت به سیاست‌های آنها چه می‌گوید.

به‌طور کلی در سطح جامعه راست یعنی جریاناتی که اساساً به دنبال حفظ وضع موجودند، به این مفهوم محافظه کارند. می‌خواهند سنت‌های موجود، سیاست‌های موجود و سیستم موجود را حفظ کنند. برعکس، چپ، خواهان تحول است. خواهان زیروورد کردن وضع موجود است. می‌خواهد اوضاع به نحو دیگری به‌جز وضع موجود باشد. وابسته و دلبسته وضع موجود نیست. اینها تعاریف کلی‌ای از چپ و راست در یک سطح اجتماعی است.

طبعاً چپ و راست مفاهیمی نسبی است و ممکن است به مفهوم محدودتری هم به کار رود. مثلاً از جناح چپ حکومت یا جناح چپ فلان حزب و غیره هم صحبت می‌شود. اما سؤال شما روشن است که در مورد چپ جامعه یعنی کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها، و راست یعنی نیروهای سلطنت طلب، جریانات مذهبی و اسلامی نظیر مجاهد، جریانات موسوم به جمهوری خواه و طرفدار سرمایه‌داری و غیره هستند. براین اساس به فضای جامعه نگاه کنیم ببینیم به چه نتیجه‌ای می‌رسیم.

از نظر من خواست‌هایی که در جامعه ایران در شعارها، بیانیه‌ها، و گفتمان‌های اجتماعی موج می‌زند کاملاً در چهارچوب چپ و سوسیالیستی قابل توضیح است. برابری طلبی، دفاع از حقوق زنان و کودکان، مخالفت با مفت‌خوران سرمایه‌دار، مخالفت با دستگاه مذهب و خرافه‌پرستی، منزلت طلبی و انسان‌گرایی و کارگردوستی، آزادی خواهی و ضدیت با دیکتاتوری و امثال اینها همه در کانتکست و متن چپ قابل توضیح است. بگذارید به طور مشخص به نمونه‌هایی اشاره کنم:

۱- در ایران مردم وسیعاً ضد دستگاه مذهب و آخوندانند و برای نمونه شعارشان این‌هاست: "اسلام را پله کردید مردم را ذله کردید" یا "حسین حسین شعارتون دروغ و دزدی کارتون" و امثال اینها. یعنی مذهب را در خدمت مفت‌خوری حاکمین و در خدمت ذله کردن مردم می‌دانند. ممکن است خودشان هم هنوز ته‌مانده‌ای از مذهب را داشته باشند. این مهم نیست. مهم این است که فهمیده‌اند و لمس کرده‌اند که مذهب در خدمت مفت‌خوران و ستمگران است. فهمیده‌اند که دستگاه اسلام و مذهب و آخوند در خدمت سرمایه‌داران و نجومی‌بگیران است. این یکی از معیارهای چپ جامعه است. کمونیست‌ها تنها جریانی هستند که مذهب را از موضع طبقاتی مورد نقد قرار می‌دهند و آن را در خدمت استثمارگران و مفت‌خوران می‌دانند. این تلقی، امروز در ایران به دلیل بیش از چهل سال جنایات و چپاول حاکمین اسلامی به وسط خیابان آمده است و این مهم است. امروز در ایران مخالفت با مذهب وسیع است و حتی در میان جریانات راست هم ضد مذهبی بودن عادی است؛ اما درست از موضعی متفاوت به مذهب و آخوند حمله می‌کنند. "آخوند دوزاری" یکی از حملات راست‌ها و سلطنت‌طلب‌ها به حکومت است. یعنی با یک تبختر اشراف‌گونه فقط با آخوند بدبختی که دوریال می‌گرفت و روضه می‌خواند مخالفت می‌کنند نه با کل دستگاه مذهب. یا صرفاً از سر خرافه‌پرستی با مذهب مخالف‌اند نه از سر خدماتش به استثمارگران و مفت‌خوران. نقد مذهب به‌عنوان ابزار مفت‌خوری تلقی و نقطه عزیمت کمونیست‌هاست و این امروز به‌صورت میلیونی در ایران جریان دارد و این را باید دید. بعضی‌ها می‌گویند این به دلیل چپاولگری‌های حاکمین است نه نفوذ چپ. انگار چپ

تلقیات و نظراتش را از آسمان آورده است! کمونیست‌ها اساساً با ارزیابی آنچه در واقعیت یعنی در جامعه می‌گذرد به نقد مذهب رسیده‌اند. مذهب همیشه و همه‌جا در خدمت مفت‌خوران و حاکمین است و امروز به دلیل عملکرد جمهوری اسلامی و کل دستگاه مذهب، خیابان در ایران موضعش با کمونیست‌ها یکی شده است.

۲- در ایران مردم وسیعاً ضد حقوق‌بگیران نجومی و سرمایه‌داران مفت‌خور هستند و این را در شعارهایشان فریاد می‌زنند، در بیانیه‌هایشان بیان می‌کنند و در گفتمان‌هایشان جاری است که مثلاً "سرمایه‌دار مفت‌خور نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم"، "ملک نجومی تو، ما را بی‌مسکن کرده"، "اختلاس نجومی، فلاکت عمومی" و یا "آقازاده اروپاست، تورمش مال ماست" و "نابود باد بندگی، زنده‌باد زندگی" و امثال اینها. ضدیت با مفت‌خوران و نجومی‌بگیران و اقلیت مفت‌خور نیز یکی از خصوصیات کمونیست‌ها و چپ‌هاست. تمام راست‌ها می‌خواهند همین سیستم تبعیض آمیز طبقاتی را حفظ کنند و در بهترین حالت زیر فشار افکار عمومی اصلاحاتی در آن وارد کنند.

این هم از جهت‌گیری‌هایی است که با چپ تداعی می‌شود نه با راست. ضدیت با مفت‌خوران و سرمایه‌داران، ضدیت با مافیای سرمایه‌داری و مخالفت با تبعیضات طبقاتی که این هم در بیانیه‌ها و شعارها بیان می‌شود و یا فریاد زده می‌شود. حتی به طور مشخص معلمان در اعتراضاتشان می‌گویند "آموزش طبقاتی نمی‌خواهیم"، یا "مدارس طبقاتی لغو باید گردد"، "اختلاف طبقاتی ملغا باید گردد" و امثال اینها.

۳- دفاع از حقوق کودکان، زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و امثال اینها جزئی از جهت‌گیری چپ‌هاست. شما وقتی به جریانات راست توجه کنید متوجه می‌شوید که مشغله‌هایشان حول پرچم، میهن، تمامیت ارضی، و امثال اینها دور می‌زند. به چپ‌ها و کمونیست‌ها و به طور مشخص حزب کمونیست کارگری که توجه کنید متوجه می‌شوید که مدام دارد علیه اعدا، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای حقوق کارگران و زنان و مردم، علیه تبعیضات طبقاتی، ضدیت با سرکوب پناهندگان و اقلیت‌های قومی، دفاع از رفاه برای همه کارگران و مردم دم می‌زند و کارزار می‌گذارد و بحث می‌کند. هویت ما این‌هاست. فضای جامعه هم تماماً در این جهت دارد سیر می‌کند.

در این رابطه می‌شود ساعت‌ها حرف زد و بحث کرد و نوشت. مثلاً در مورد جایگاه شورا در ذهنیت و خودآگاه جامعه می‌شود نمونه‌های ملموسی را ذکر کرد. نکته اصلی من این است که آنچه در جامعه ایران جاری است و در وسط خیابان و در اعتراضات معلمان و بازنشستگان و کارگران و زنان و دیگر بخش‌های معترض جامعه فریاد زده می‌شود و از آن دفاع می‌شود، ارزش‌ها و سنت‌های چپ و کمونیستی است. خود همین که کارگر و پرستار و بازنشسته و کارکنان و زحمت‌کشان یعنی بخش‌های مختلف طبقه کارگر آگاه‌اند، و میدان‌دار اصلی اعتراضات هستند خودش به فضای جامعه رنگ و بوی چپ می‌دهد. به طور خلاصه همین‌ها که مردم می‌گویند و می‌خواهند اگر عملی شود، ما راضی و خشنود هستیم. یعنی اعدام لغو شود، آزادی و برابری زن و مرد و بخش‌های مختلف مردم عملی شود، رفاه حق همه مردم باشد و به آن دست یابند، کودکان شاد باشند، کارگران از استثمار و فقر و بی‌حقوقی خلاص شوند، مذهب از دخالت در آموزش و قوانین و دستگاه اداری جامعه بیرون انداخته شود، سرکوب و دیکتاتوری از جامعه رخت برینند و سیستم حاکم از چنگ مفت‌خوران و نجومی‌بگیران خارج شود و در اختیار مردم و شوراهای مردم قرار گیرد. اینها را اکثر مردم می‌خواهند و هر روز دارند به شکلی بیان می‌کنند و فریاد می‌زنند. اهداف و معیارهای ما برای تحولات اجتماعی آتی هم همین‌هاست و همین‌ها را دنبال می‌کنیم. به این مفهوم محتمل‌ترین آلترناتیو آینده در ایران، آلترناتیوی چپ و انسانی و سوسیالیستی خواهد بود. *

جنگ خارجی، سرکوب داخلی و اقتصاد رانتی



سیاوش مدرسی

کردستان، ترکمن صحرا و اعتصابات، با مقاومت اجتماعی روبه‌رو شد. تنها کارت برنده برای ساختن دولت سرکوبگر منسجم، جنگ بود.

اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ نقطه عطف بود: رژیم نوپا با این اقدام اعلام جنگ با "شیطان بزرگ" کرد و توانست بحران خارجی را به ستون سیاست داخلی تبدیل کند. شعارهای "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر لیبرال"، "مرگ بر بازرگان"، سپس "مرگ بر بنی‌صدر" و "مرگ بر منافق" برای حذف نیروهای ملی، چپ و دموکرات به کار گرفته شد. "حزب‌الله" جانشین "حزب رستاخیز" شد و ولایت فقیه جای شاه را گرفت.

شعارهایی مثل "حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله"، "مجلس باید خط امامی باشد"، "قانون فقط اسلام" و "دانشجوی مسلمان بیدار است، علیه استکبار در پیکار است" فضای سیاسی را به آشوب کشاند.

جنگ ایران و عراق: دولت جنگی و اقتصاد رانتی

جنگ هشت‌ساله (۱۹۸۰-۱۹۸۸) رژیم را از دولت بحران‌زده به دولت جنگی تمام‌عیار بدل کرد.

احزاب مخالف ممنوع شدند، سانسور و بازداشت گسترده شد و اعدام‌های دهه ۶۰ در بستر جنگ شکل گرفت.

در مناطق مرزی به‌ویژه خوزستان و کردستان آوارگی و تبعیض شدت گرفت.

بسیج و سپاه سازمان یافت و به بازوی نظامی - سیاسی و اقتصادی تبدیل شدند.

"دفاع مقدس" به نماد رسمی در آموزش و رسانه بدل شد.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، سرکوب داخلی نه‌تنها متوقف نشد، بلکه با اعدام‌های ۱۳۶۷ به اوج رسید. جنگ خارجی بهانه‌ای شد برای تصفیه سیاسی و تثبیت دولت امنیتی.

از دفاع مقدس تا جنگ‌های نیابتی

پایان جنگ به سپاه و بنیادها امکان داد با شعار "بازسازی"، اقتصاد را قبضه کنند:

قرارگاه "خاتم‌الانبیا" سدسازی، راه‌آهن، نفت و گاز و پروژه‌های ملی را تصاحب کرد.

"بنیاد مستضعفان"، "بنیاد شهید" و نهادهای مذهبی با حمایت رهبر و سپاه بر بخش عمده اقتصاد مسلط شدند.

"اقتصاد مقاومتی" و "اقتصاد جنگی" به مبنای ساختار رانتی تبدیل شد. دشمن خارجی همچنان ابزار سرکوب داخلی باقی ماند. هر موج اعتراض (۱۳۷۸، ۱۳۸۸، دی ۹۶، آبان ۹۸، زن، زندگی، آزادی ۱۴۰۱) با تبلیغ "توطئه غرب" سرکوب شد.

خامنه‌ای بارها گفت: «اگر آن‌جا نجنگیم، این‌جا باید بجنگیم» (۵ بهمن ۱۳۹۴ و ۵ تیر ۱۳۹۵)، توجیهی برای حضور نظامی در سوریه و عراق و هم‌زمان بستن فضای سیاسی.

بحران ناآرامی جنگ دائمی

در "جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل" (۲۰۲۵)، حکومت نتوانست پیروزی واقعی کسب کند. هم‌زمان، موج دستگیری‌ها و اعدام‌ها را تشدید کردند:

طبق گزارش "ایران هیومن رایتس" در سال جاری دست‌کم ۹۷۵ نفر تاکنون اعدام شدند؛ ۱۷٪ بیشتر از سال

خمینی در ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ در مدرسه فیضیه قم، در جمع هوادارانش، درباره نظام جانشین دیکتاتوری شاه، (که انقلاب مردم تنها یک ماه پیش سرنگونش کرده بود) گفت: "البته نظر من این است که احتیاج به فرارندوم هم نیست." او از طلاب خواست مردم را برای رأی دادن به "جمهوری اسلامی - نه یک کلمه زیاده‌تر و نه یک کلمه کمتر" بسیج کنند و در برابر پیشنهادهای "جمهوری" محض یا "جمهوری دموکراتیک" بایستند.

انقلاب بهمن ۵۷ علیه نظام فردی و فاسد شاه بود. اما هدف خمینی و حامیان داخلی و خارجی‌اش نه ساختن دولتی مدرن، بلکه سرکوب و شکست انقلاب بود؛ انقلابی که می‌توانست یکی از مهم‌ترین کشورهای عضو ناتو و سنگر آمریکا را از مدار غرب خارج کند.

دولت‌های غربی نگران تغییر توازن قوا میان بلوک غرب و شرق در منطقه استراتژیک خاورمیانه بودند. ایران در منطقه‌ای حساس و راهبردی - خلیج فارس - قرار داشت.

انقلاب بهمن ۱۳۵۷ که بزرگ‌ترین انقلاب قرن بیستم لقب گرفته بود، شوراهای کارگری در صنعت نفت در کارخانه‌ها و محلات، و سازماندهی مستقل اجتماعی، کابوس تمام نیروهای ضدکمونیست و ضد چپ شده بود.

برای مهار و کنترل اوضاع، در کنفرانس گوادلوپ (ژانویه ۱۹۷۹)، رهبران غربی از جمله "جیمی کارتر" از "کمربند سبز" دفاعی به دور رقیبشان شوروی به عنوان راه‌حل مقابله با انقلاب ایران سخن گفته بود.

پروژه‌ای که اسلام سیاسی ارتجاعی را علیه نفوذ شوروی و نیروهای چپ در منطقه تقویت می‌کرد. میلیاردها دلار سرمایه، سلاح و مشاوره امنیتی به منطقه سرازیر شد. "ژنرال رابرت هویزر" به تهران آمد تا ارتش شاه را از اقدام علیه جنبش اسلام‌گرا بازدارد و مانع کودتای ارتش بدون شاه شود. تبلیغات جهانی از خمینی "روحانی بی‌خطر" ساختند تا جایگزین رژیم شاه کنند.

جمهوری اسلامی حاصل مدیریت بحران برای سرکوب انقلاب بود، نه محصول طبیعی توسعه سیاسی یا گذار به دموکراسی. ماشین جدید، نه برنامه اقتصادی داشت و نه الگوی اداره مدرن. مأموریتش ساخت یک دولت فوق ارتجاعی و امنیتی برای پایان دادن به تجربه شوراهای آزادی‌خواهانه و مشارکت مردمی بود. روحانیت و شبکه‌های لمپنی مساجد و هیئت‌ها ستون‌های اصلی این ماشین بودند.

در حوزه اقتصاد، درک حاکمان به خمس، زکات و درآمد مذهبی محدود بود. تنها چهره‌ای که در قامت "اقتصاددان" مطرح شد ابوالحسن بنی‌صدر بود. او "اقتصاد توحیدی" را تئوریزه کرد؛ مدلی مبهم که نه بازار آزاد بود و نه سوسیالیسم دولتی. بنی‌صدر بر "انکای اقتصاد به فطرت و وحی" و نقش محوری دولت در اشتغال و معیشت تأکید می‌کرد. این طرح غیرواقع‌بینانه در عمل، زیر سایه جنگ و غرب‌ستیزی، به دولت امنیتی - رانتی منجر شد و تمرکز ثروت را به دست سپاه و حلقه‌های قدرت سپرد.

جنگ، ابزار تثبیت قدرت

خمینی و ساختار تازه‌تأسیس قادر نبودند بدون بحران خارجی سرکوب کنند و مستقر شوند. سرکوب، حجاب اجباری، یورش به دانشگاه‌ها،

معرفی کتاب

فیدوس

حسن صالحی



مجموعه یادداشتها

منتشر شده در نشریه ژورنال

۱۹ دی ۱۴۰۰ - ۹ شهریور ۱۴۰۴ - ۹ ژانویه ۲۰۲۲ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۵

کتابی که این هفته برای معرفی انتخاب کرده‌ایم نیز ادامه سلسله کتاب‌های منتشر شده از سوی نشریه ژورنال است. فیدوس مجموعه نوشته‌های حسن صالحی در این نشریه است. حسن صالحی نیز در انترناسیونال مطالبی داشته و حتماً خوانندگان ما با نام و مطالب وی آشنایی دارند.

او نیز مانند سایر نویسندگان ژورنال در طول سال‌ها مطالب متنوعی را در موضوعات مختلف به رشته تحریر درآورده است. در کنار این مطالب اما مقوله مخالف با اعدام از فعالیت‌های اصلی حسن صالحی است. سال‌ها فعالیت در "کمیته بین‌المللی علیه اعدام" و آشنایی از نزدیک وی با این موضوع موجب شده که اطلاعات وسیعی و جامعی در این باره کسب کند و بسیاری از مطالبش در این زمینه است.

باتوجه به آمار هر روز روبه‌افزایش اعدام در ایران، فعالیت علیه آن نیز به همین نسبت افزایش یافته است. مرور این مطالب دست کم در زمینه اعدام‌ها در ایران و در سال‌های اخیر تصویر روشنی از قربانیان اعدام و فعالیت‌های انجام شده برای مقابله با آن را پیش چشم خواننده می‌آورد.

لینک دانلود کتاب را پایین‌تر مشاهده می‌کنید. آن را مطالعه کنید و برای دوستان خود ارسال کنید.

[فیدوس - مجموعه یادداشت‌های حسن صالحی -](#)

[منتشر شده در نشریه ژورنال - ویژه تلفن همراه](#)

اقتصاد رانتی دوام آورده است.

اما امروز، با فروپاشی اقتصادی، فشار اجتماعی و شکست‌های منطقه‌ای، کارکرد «جنگ دائمی» برای تثبیت حاکمیت روبه‌زوال است؛ همان مسیری که رژیم‌های اقتدارگرای دیگر در لحظه بحران تجربه کرده‌اند.

۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵

زن زندگی آزادی

زن زندگی آزادی

Woman Life Freedom

جنگ خارجی، سرکوب داخلی و اقتصاد رانتی

از صفحه ۱۰

قبل و بالاترین آمار از ۲۰۱۵.

تاکنون ۳۱ زن در این سال اعدام شده‌اند؛ بیشترین رقم در ۱۷ سال گذشته.

بخش زیادی از اعدام‌ها با اتهامات مواد مخدر، امنیتی و سیاسی صورت گرفته است.

شعارهای "اگر آن‌جا نجنگیم، این‌جا می‌جنگیم" و "خون بر شمشیر پیروز است" دوباره برای توجیه سرکوب داخلی احیا شده‌اند، اما دیگر توان گذشته را ندارند. بحران اقتصادی، انزوای بین‌المللی و جنبش "زن، زندگی، آزادی" ماشین جنگ - رانت - سرکوب را فرسوده کرده است.

جمهوری اسلامی از ابتدا دولت نامتعارف سرمایه‌داری بود: محصول ائتلاف روحانیت، بازار و تکنوکرات‌های ضد چپ با پشتیبانی غرب برای سرکوب انقلاب ۵۷. این نظام هیچ‌گاه مأموریت توسعه یا اداره مدنی نداشت و ندارد، بلکه با اتکا به سه ستون جنگ خارجی، سرکوب داخلی و

اطلاعه‌های هفته اخیر

پایان دادن به اختلاسگری‌های پشت پرده هستند.
دوشنبه‌های اعتراضی کارگران رسمی نفت مناطق عملیاتی در جنوب

امروز همچنین کارگران رسمی نفت در مناطق عملیاتی مختلف جنوب به روال دوشنبه‌های هر هفته جهت پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. مناطقی که این تجمعات برگزار شدند عبارت‌اند از: پالایشگاه گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (پارس ۱)، نفت و گاز پارس سکوه‌های ۴۰ گانه POG، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی -SPGC پالایشگاه دوازده، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (پارس ۲)، مجتمع گازی پارس جنوبی -SPGC پالایشگاه دوازدهم.

اهم مطالبات این کارگران عبارت‌اند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات‌های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق‌های ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ شهریور ۱۴۰۴ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵

تجمع خانواده‌های ساکن شهرک نفت جم علیه
شهریه‌های نجومی مدارس

ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز

امروز یکم مهرماه ۱۴۰۴ خانواده‌های ساکن شهرک نفت جم در اولین روز بازگشایی مدارس در اعتراض به مشکلات معیشتی و شهریه‌های نجومی مدارس غیرانتفاعی شهرک و در محل آموزش شهر نفت جم تجمع کردند. اهم مطالبات این خانواده‌ها عبارت‌اند از: ۱- شهریه کمتر به مدارس داخل شهرک نسبت به مدارس بیرون و شفاف‌سازی شهریه مدارس غیرانتفاعی داخل شهرک نفت باتوجه به اینکه مکان مدرسه و امکانات به صورت رایگان در اختیار این مدارس قرار می‌گیرد.

۲- افزایش ظرفیت مدارس دولتی.

۳- پرداخت ۶۰ درصد شهریه مدارس توسط سازمان همانند سال‌های قبل باتوجه به کمبود مدارس دولتی و اجبار به ثبت نام در مدارس غیرانتفاعی.

تجمع خانواده‌های ساکن شهرک نفت جم در رابطه با شهریه‌های نجومی مدارس یک اقدام مهم در برابر این درد بزرگ اجتماعی است. هم اکنون جمعیتی میلیونی از کودکان به خاطر هزینه‌های کمرشکن زندگی و کالای بودن آموزش از تحصیل محروم هستند و هر روز بر شمار این کودکان اضافه شده و شمار بیشتری از آنان راهی کار می‌شوند. باید به این بربریت خاتمه داد. تحصیل رایگان حق همه کودکان است. تحصیل رایگان، باکیفیت و غیرایدئولوژیک یک مطالبه معلمان در اعتراضاتشان بوده است. معلمان در مبارزاتشان با فریاد مدارس طبقاتی ملغی باید گردد، و پایان دادن به کالایی بودن آموزش بر حق برابر همه کودکان از آموزشی رایگان، مدرن و شاد تأکید کرده‌اند. این خواست‌ها را در همه جا تکثیر کنیم.

نفت یک مرکز داغ اعتراض بر سر معیشت است. از جمله دوشنبه‌های اعتراضی کارگران رسمی نفت در مناطق عملیاتی جنوب نیز روز گذشته جریان یافت. در این روز علاوه بر نقاط گزارش شده این کارگران با خواست پرداخت کامل حقوق حقه خود در مناطق دیگری چون سکوه‌های گازی سلمان، رشادت و رسالت در منطقه لاوان، مجتمع گازی پارس جنوبی -SPGC پالایشگاه یازدهم، منطقه ویژه عسلویه دست

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۴ شهریور
خبری دیگر

امروز سی و یکم شهریورماه بازنشستگان مخابرات در یکی از دوشنبه‌های اعتراضی خود و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهایی چون کرمانشاه، اهواز، شیراز، سنندج، همدان، خرم‌آباد، زنجان، تبریز، تهران، بروجرد، مریوان، بیجار، رشت و اصفهان برگزار شدند.

بازنشستگان در این تجمعات شعار می‌دادند: "برای رفع تبعیض، بازنشسته به پا خیز!"، "شاغل و بازنشسته! اتحاد!"، و "حقوق نصفه‌نیمه، سکوت کنی همینه!".

اعتراض به گرانی، فقر و بی‌تامینی، جنگ‌افروزی‌های حکومت، بساط سرکوبگری‌های حکومت و چپاول و دزدی موضوعات سراسری اعتراضات بازنشستگان و همه مردم است. در این تجمعات بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "بازنشسته بیدار است/ از ظلم و زور بیزار است"، "فکر نکنید ما پیریم! حقمون می‌گیریم"، "ستاد فرمان امام حق ماها را خورده"، "بنیاد تعاون حق ماها را خورده"، و "تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم".

یک موضوع اعتراض بازنشستگان مخابرات اعتراض به چپاولگری‌های سهام‌داران عمده این شرکت است. ستاد اجرایی فرمان امام تحت اختیار خامنه‌ای و نیز بنیاد تعاون سپاه پاسداران سهام‌داران عمده شرکت مخابرات هستند. اعتراض بازنشستگان مخابرات همچون دیگر بازنشستگان حقوق‌های زیر خط فقر و وخیم‌تر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و علیه سرکوبگری‌های حاکم است. این بازنشستگان علاوه بر خواست همسان‌سازی حقوقها و افزایش فوری آن و درمان رایگان خواستار اجرای فوری مصوبات اجرا نشده هستند که می‌تواند بهبودی در دریافتی‌های آن بدهد.

در این روز همچنین پزشکان خانواده در مازندران علیه تخلفات سازمان تأمین اجتماعی و رانت‌خواری‌هایشان دست به تجمع و اعتراض زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ شهریور ۱۴۰۴ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۵

ادامه اعتراضات کارگران فولاد اهواز
و کارگران رسمی نفتدهمین روز اعتراض کارگران فولاد اهواز، و دوشنبه‌های اعتراضی
کارگران رسمی مناطق نفت‌خیز جنوب

روز دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۴، کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز در اهواز در اعتراض به مشکلات معیشتی و شغلی خود دست به تجمع و راهپیمایی زدند. موضوعات فوری اعتراضی این کارگران عبارت‌اند از: به تعویق افتادن پرداخت دو ماه دستمزد، عدم تأمین بیمه تکمیلی، کاهش اضافه کاری‌ها که موجب کاهش دستمزدها شده، قطع وعده‌های غذایی، تغییرات برنامه رفت‌وآمد کارکنان بدون هماهنگی با آنان، کاهش سطح تولید و دزدی‌های پشت پرده که شغل و معیشت آنان را به خطر انداخته است

این کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، تأمین بیمه تکمیلی مناسب، عدم تأخیر در واریز بیمه‌ها، بهبود وضعیت قراردادهای کاری، راه‌اندازی فوری خطوط تولید و شفافیت در اداره شرکت و

به اعتراض و تجمع زدند.

ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد ایران (اهواز)

امروز یکم مهرماه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز ادامه داشت و کارگران معترض همچون روزهای گذشته در محوطه شرکت تجمع کردند. اعتراض این کارگران به مشکلات معیشتی و کاری خود از جمله تعویق پرداخت دو ماه دستمزد، عدم تأمین بیمه تکمیلی، سطح نازل حقوقها و کاهش همین دریافتیهای نازل به خاطر کاهش اضافه کاریها، قطع وعدههای غذایی، کاهش تولید و ناامنی شغلی و به دزدیهای پشت پرده است. کارگران بر ادامه اعتراضات خود تا رفع مشکلات کاری و پاسخگویی به مطالباتشان تأکید دارند

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۴ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵

هشتاد و هفتمین هفته "سهشنبههای نه به اعدام" و اخباری دیگر

امروز سهشنبه یکم مهرماه ۱۴۰۴ هشتاد و هفتمین هفته کارزار سهشنبههای نه به اعدام در ۵۲ زندان کشور جریان یافت. در بیانیه هفتگی این کارزار بر ادامه گسترده اعدامها و اعدام سبانه یکی دیگر از اعضای کارزار سهشنبههای نه به اعدام بابک شهبازی اشاره شده است که در سومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی به دار آویخته شد.

یک ویژگی گرامیداشت سومین سالگرد انقلاب فریاد رسای نه به اعدام و پایان دادن به این شکل شنیع و جنایت کارانه سرکوب بود.

اعضای کارزار سهشنبههای نه به اعدام در بیانیه خود همچنین به همزمانی این روز با بازگشایی مدارس اشاره کرده و در بخشی از آن چنین اعلام کردهاند "امسال، همزمان با بازگشایی مدارس، بار دیگر معلمان و دانشجویان آگاه و پیشرو در خط مقدم مبارزه برای آزادی و برابری قرار دارند. نوجوانان و جوانان ایران کابوس این حکومت هستند و در هر مدرسه و دانشگاه، فعالانی ایستادهاند تا مدارس و دانشگاهها را کماکان به مرکزی برای مقاومت تبدیل کنند و صدایی برای مخالفت با احکام غیرانسانی اعدام هموطنانشان باشند. کارزار «سهشنبههای نه به اعدام» خطاب به مردم آزادیخواه ایران و همه دوستداران حقوق بشر. فریاد میزند در برابر این سیاستهای خشونتبار و ضدبشری، سکوت جایز نیست. صدای ما باید قویتر از هر سرکوب و ظلمی باشد. هر هفته، هر سهشنبه، به یاد قربانیان اعدام، برای دادخواهی و دفاع از زندگی، به پا میخیزیم." حزب کمونیست کارگری قاطعانه از کارزار سهشنبههای نه به اعدام حمایت کرده و همگان را به پیوستن به جنبش علیه اعدام و حمایت از این کارزار فرا میخواند.

امروز یکم مهرماه همچنین داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش برای سومین بار از پنجشنبه هفته گذشته به این سو، در اعتراض به تبعیضها و استخدامهای گزینشی. دست به تجمع زدند و در مقابل ساختمان "شورای انقلاب فرهنگی" حکومت گرد آمدند. خواست فوری آنها تجدیدنظر در به کارگیری ضریب و امتیازاتی است که باعث خارج ماندن هزاران نفر از آنان از استخدام در آموزش و پرورش شده است که با وجود درصد و نمرات قبولی بالا بیرون گذاشته شدهاند. تجمع کنندگان شعار می دادند: "نه امتیاز نه ضریب، کارنامه بدون تبعیض".

روز گذشته نیز مریبان پیش دبستانی خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی و شغلی و برای پیگیری مطالبات خود از جمله حق التدریس معوقه بند پ تبصره ۸ خود مقابل آموزش پرورش استان تجمع کردند.

یک حرکت اعتراضی دیگر در روز گذشته تجمع تاکسی. ونهای مشهد در مقابل شورای ساختمان شورای اسلامی شهر بود. اعتراض آنها به تداوم مشکلات جدی سرویس مدارس است؛ مشکلاتی که سال گذشته

نیز باعث نارضایتی گسترده خانوادهها و رانندگان شده بود و این چندمین بار است که در این رابطه تجمع می کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۴ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵

ادامه اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز و اخباری دیگر

امروز دوم مهرماه کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز در ادامه تجمعات اعتراضی خود بنا بر اولتیماتوم قبلی و در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواستها و خلف وعدهها در محوطه شرکت تجمع کردند. در این روز زیر فشار اعتراض کارگران فرماندار اهواز در جمع کارگران حاضر شد و بار دیگر وعده رسیدگی به خواستهای کارگران را داد و خواستار آرامش آنان گردید.

کارگران فولاد اهواز دو هفته است که در رابطه با عدم پرداخت حقوقهای معوقه و تحقق دیگر مطالباتشان در اعتراض به سر می برند. این کارگران اعلام کردهاند که تا وقتی پاسخ نگیرند همچنان به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. موضوعات فوری اعتراضی این کارگران عبارتند از: به تعویق افتادن پرداخت دو ماه دستمزد، عدم تأمین بیمه تکمیلی، کاهش اضافه کاریها که موجب کاهش دستمزدها شده، قطع وعدههای غذایی، تغییرات برنامه رفت و آمد کارکنان بدون هماهنگی با آنان، و کاهش سطح تولید و دزدیهای پشت پرده که شغل و معیشت آنان را به خطر انداخته است.

این کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، تأمین بیمه تکمیلی مناسب، عدم تأخیر در واریز بیمهها، بهبود وضعیت قراردادهای کاری، راهاندازی فوری خطوط تولید و شفافیت در اداره شرکت و پایان دادن به اختلاسگریهای پشت پرده هستند.

- بنا به خبری دیگر امروز دوم مهرماه کارگران ایران پوپلین در رشت در مقابل درب ورودی شرکت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ماههای مرداد و شهریور مقابل درب ورودی شرکت تجمع کردند. این کارگران با قراردادهای سه ماهه و بدون امنیت شغلی کار می کنند و اغلب با عدم پرداخت به موقع حقوقهای خود مواجه هستند. در سال جاری این چندمین بار است که کارگران ایران پوپلین در اعتراض به این وضعیت دست به اعتراض می زنند. در این شرکت ۳۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند.

- بنا بر گزارشات منتشر شده روز گذشته اول مهرماه کارگران شاغل در پروژه فاز ۱۴ پارس جنوبی در اعتراض به اخراجها در بخشهای حراست خدمات و تأسیسات دست به اعتصاب زدند. طبق خبر همزمان با تحویل رسمی فاز ۱۴ پارس جنوبی به شرکت بهره برداری SPGC در شهرستان کنگان، این شرکت پیمانکاری شمار بسیاری از کارگران را اخراج کرده است. این موضوع موجب خشم کارگران شده و کارگران با اعتصاب خود خواستار پرداخت چهار ماه مزد معوقه و بازگشت خود به کار و توقف اخراجها هستند.

- روز یکم مهرماه کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به تأخیر دو ماهه در پرداخت مزد خود تجمع کردند.

- روز یکم مهرماه کارگران شرکت پویا نخ در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری خود و بی پاسخ ماندن مطالباتشان برای چندمین بار مقابل استانداری تجمع کردند. این تجمع به حدی بود که درب ورودی استانداری مسدود شد و تردد کارکنان و مراجعه کنندگان به طور کامل مختل گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۴ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵

بازگشایی مدارس و اعتراضات به خاطر نبود مدرسه و معلم

توپ! تانک! فشفشه! مدرسه باید باز بشه!

سال تحصیلی جدید آغاز شد و هنوز بسیاری از دانش آموزان به خاطر نبود مدرسه بلا تکلیف هستند. این موضوع موجب اعتراضات خانواده‌ها در شهرهای مختلف شده است. از سوی دیگر شهریه‌های نجومی و هزینه سنگین فشار سنگینی بر گرده مردم وارد کرده و اعتراضاتی را همراه داشته است.

امروز دوم مهرماه خانواده‌های دانش آموزان دبیرستان دخترانه اسماعیلی انار در اعتراض به بی مدرسه ماندن فرزندان خود در برابر دفتر احمد انارکی محمدی، نماینده مجلس در رفسنجان و انار، تجمع کردند. در این تجمع یکی از مادران از اینکه دو روز از شروع مدرسه گذشت و فرزند آنها هنوز مدرسه‌ای ندارد و بلا تکلیف است فریاد اعتراضشان بلند بود. خانواده‌ها اعلام کردند تعطیلی دبیرستان اسماعیلی و انتقال اجباری دختران به دبیرستان فمر، چیزی جز نادیده گرفتن حق پایه‌ای آموزش از فرزندان آنها نیست و بر اختصاص مدرسه‌ای مناسب برای تحصیل فرزندان خود تأکید کردند. بنا بر گزارشات دبیرستان دخترانه اسماعیلی چند روز است به هنرستان پسرانه تبدیل شده؛ اقدامی که حتی با مصوبه جلسه رسمی ۱۴ شهریور آموزش و پرورش انار هم در تضاد است. در همان جلسه مقرر شده بود هنرستان به طور موقت در ساختمان پیام‌نور مستقر شود و اداره آموزش و پرورش نهایتاً تا خرداد ۱۴۰۵ ساختمان فعلی خود را تخلیه کند تا هنرستان فنی در آن مستقر شود. تعطیلی مدرسه دخترانه و اختصاص آن به هنرستان سیاسی طالبانی و نمونه‌ای از آپارتاید جنسی حاکم در قبال دختران است.

اعتراض دانش آموزان مدارس پانزده خرداد و دوازده خرداد در گل‌دشت اصفهان

روز گذشته یکم مهرماه در اولین روز شروع سال تحصیلی دانش آموزان مدارس ۱۵ خرداد و ۱۲ بهمن در گل‌دشت با درب بسته مدرسه و بلا تکلیفی روبرو شدند. این موضوع صدای اعتراض دانش آموزان را بلند کرده و با فریاد "توپ، تانک، فشفشه - مدرسه باید باز بشه!" بر باز شدن فوری درب مدرسه تأکید کردند. طبق گزارشات پس از هشت سال کشمکش حقوقی با ورثه زمین، این دو مدرسه به یکباره تعطیل و تخلیه شده و بیش از ۷۰۰ دانش آموز آن بدون هیچ برنامه‌ریزی‌ای به مدرسه تازه تأسیسی منتقل شده‌اند که حتی برق هم ندارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ مهر ۱۴۰۴ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵

اولتیماتوم کارگران ایرالکو به تحصن و اعتراض علیه احضار پنج کارگر این شرکت به دادگاه

به دنبال نقشه محاکمه و دادگاهی کردن ۵ کارگر حق طلب شرکت آلومینیوم اراک (ایرالکو)، کارگران اعلام کرده‌اند در صورت دادگاهی کردن همکاری‌شان دست به تحصن و گسترش اعتراضات خواهند زد.

طبق گزارشات منتشر شده مدیریت شرکت آلومینیوم اراک (ایرالکو) و نهادهای قضایی این شهر ۵ نفر از کارگران را برای محاکمه به خاطر اعتراضاتی که بر سر حق و حقوقشان داشته‌اند، به دادگاه احضار کرده‌اند. اسامی این کارگران عبارت‌اند از: محمد نجاتی، بهمن مرادبیگی، وحید خورشیدی، ناصر سهرابی و علی اکبر صابری. این دادگاه قرار است در روزهای نهم و پانزدهم مهرماه برگزار شود.

به علاوه با گذشت ده روز از پایان اعتصاب غذای کارگران، هیچ کدام از وعده‌های داده شده فرماندار اراک و هیئت‌مدیره شرکت که در هنگام حضور در کارخانه به کارگران داده شده بود، اجرایی نشده است. اتفاقاً یکی از وعده‌های داده شده عدم محاکمه و پرونده‌سازی علیه همین پنج کارگر

بوده است. طبق گزارشات تنها کاری که در این مدت صورت گرفته اختصاص هزینه برای اورهال کارخانه است که آن هم هنوز روشن نیست. در برابر این توطئه‌گری‌ها کارگران معترض ایرالکو ایستاده و قاطعانه اعلام کرده‌اند که در صورت برگزاری دادگاه برای این پنج همکار خود دست به اعتراض گسترده‌تر و تحصن خواهند زد. این کارگران پیگیر مطالبات خود هستند. این کارگران ضمن نوشتن خطابه‌ای به حسن غفاری رئیس شورای اسلامی با اشاره به ضدونقیض‌گویی‌ها وعده‌های توخالی داده شده نوشتند: "آقای غفاری امنیت ملی رو کسای به خطر انداختن که با وجود بازنشستگی هنوز پست و مقام خودشون رو رها نمیکنن. آقای غفاری امنیت ملی رو حضراتی به خطر میندازند که وعده‌های پوچ و توخالی به کارگر می‌دهند..."

بیش از چهل روز اعتراض چهارهزار کارگر ایرالکو، آن‌چنان بازتابی داشته که در سطح جامعه حمایت‌های بسیاری از این اعتراضات را در پی داشته است. از جمله بازنشستگان در تجمعات خود حمایت خود را از این کارگران اعلام کرده و سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت در قبال آنها را محکوم کردند. اکنون نیز خبر احضار ۵ کارگر ایرالکو به دادگاه با موجی از اعتراض از سوی نهادهای مختلف کارگری روبرو شده است.

کارگران ماشین‌سازی اراک تنها نیستند. حمایت از آنها را باید گسترش داد. حمله به این کارگران، تعرض به همه کارگران است. از مبارزات کارگران ایرالکو و خواست‌هایشان وسیعاً حمایت کنیم. جواب مدیریت و سرکوبگران حکومت به پرونده‌سازی علیه کارگران معترض همان اولتیماتومی است که چهارهزار کارگر این شرکت داده‌اند. پاسخ آن اعتراضات گسترده‌تر با شرکت خانواده‌ها و حمایت دیگر مراکز کارگری از کارگران ایرالکو است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مهر ۱۴۰۴ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵

قاتلان حاکم جان سمیه رشیدی را گرفتند

سمیه رشیدی زندانی سیاسی و زن جوانی است که در جریان اعتراضات زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ و سپس در سال ۱۴۰۲ با اتهام اقدام علیه امنیت ملی دستگیر شده و آذر ۱۴۰۳ به صورت مشروط آزاد شده بود، مجدداً روز ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در حال شعارنویسی علیه جمهوری اسلامی در محله جوادیه تهران بازداشت شد و ابتدا به مدت دو روز در بازداشتگاه آگاهی ۱۵ خرداد نگهداری شد و سپس به بند زنان زندان اوین و پس از حمله ۲ تیر ۱۴۰۴ به زندان اوین، همراه سایر زندانیان به زندان زنان قرچک منتقل شد. شکنجه‌گران حکومت درحالی که سمیه به بیماری صرع مبتلا بود او را در زمان بازداشت به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند، به نحوی که ضرباتی به سر، صورت، پاها و شکم او وارد شده و حتی در اقدامی خشونت‌بار، سرش به دیوار کوبیده شد.

سمیه که دوره محکومیتش را در زندان قرچک می‌گذراند امروز سوم مهرماه درحالی که در کما بود در بیمارستان درگذشت. سمیه رشیدی، متولد ۱۳۶۲ که اردیبهشت‌ماه امسال هنگام شعارنویسی بازداشت شده بود، پس از ماه‌ها بی‌توجهی پزشکی و تشنج‌های مکرر چندی پیش به بیمارستان مفتوح ورامین منتقل شد. علی‌رغم هشدارهای مکرر خانواده و هم‌بندان، مسئولان زندان بارها شکایت‌های او از سردرد و مشکلات جسمی را «تعارض» دانسته، تنها داروهای اعصاب تجویز کرده و از اعزام به بیمارستان خودداری کردند. سمیه زمانی به بیمارستان منتقل شد که دیگر کار از کار گذشته بود و پزشکان از نجات او قطع امید کردند و سمیه پس از یک هفته در قسمت اورژانس بیمارستان جانش را از دست داد.

جمهوری جنایت‌کار اسلامی عامل قتل سمیه رشیدی است. شکنجه و عدم رسیدگی پزشکی به زندانی یک جنایت آشکار است. سران و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی باید به جرم قتل و جنایت و شکنجه در

می کنند."

ندای زنان در محکومیت قتل سمیه رشیدی در بیانیه خود می نویسد: "مرگ سمیه زنگ خطری که بارها به صدا درآمده است را این بار بسیار سهمگین تر به صدا در آورد. جان زندانیان در خطر است! شرایط زندان ها و نبود امکانات بهداشتی و درمانی مصداق بارز شکنجه و قتل حکومتی است. مرگ سمیه برگ جنایت دیگری به قتل های حکومتی در سالیان گذشته می باشد."

اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز در بیانیه خود به این مناسبت قتل سمیه رشیدی را نماد دیگری از جنایت و انسان کشی در زندان های جمهوری اسلامی خوانده است که ۴۷ سال است به طور پی وقفه ای ادامه دارد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه خود ضمن محکوم کردن این جنایت، همبستگی خود را با خانواده و دوستان سمیه رشیدی و همه زندانیان ستم دیده اعلام کرده و بار دیگر بر ضرورت همگرایی و اتحاد نیروهای آزادی خواه، کارگران، زنان، دانشجویان و معلمان برای مقابله با ظلم و بی عدالتی تأکید نموده است.

این اعتراضات ادامه دارد و صدای است علیه بساط سرکوب و جنایت حکومت که جامعه ای بدون سرکوب و دیکتاتوری و چپاول را فریاد می زند. حزب کمونیست کارگری همراه با این اعتراضات و در همراهی با خانواده های زندانیان سیاسی بر اتحاد سراسری علیه بساط اعدام و زندان و شکنجه و قتل خاموش زندانیان در زندان ها تأکید دارد. حزب همچنین بر بایکوت جهانی این حکومت جنایت و سرکوب و محاکمه سران جنایت کار آن در دادگاه های مردمی بین المللی تأکید می کند. تنها با سرنگونی این حکومت است که می توان به این چرخه جنایت و کشتار پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۴ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵

اعتراض فعالان پرستاری به سیاست های وزارت بهداشت، و خبری دیگر

بیش از ۸۰۰ نفر از فعالان حوزه پرستاری و دانشجویان آن، در نامه سرگشاده ای خطاب به وزیر بهداشت، نسبت به سیاست های اخیر این وزارتخانه در دو حوزه آموزش و معیشت خود اعتراض کرده و ادامه این سیاست ها را تهدیدی جدی برای نظام سلامت کشور دانستند. موارد اعتراض در این نامه عبارتند از: تجاری سازی آموزش، واگذاری آن به مؤسسات غیرانتفاعی بدون صلاحیت علمی، کمبود هیئت علمی، احیای طرح شکست خورده مدارس بهیاری سنتی، امکانات آموزشی فرسوده، نبود خوابگاه مناسب و فضای ناکافی برای کارآموزی، در کنار افزایش ظرفیت دانشجوی، نسبت به وضعیت آموزشی اعتراض کردند.

امضاکنندگان این نامه در ادامه به بیکاری بیش از ۱۰ هزار پرستار، در نتیجه نداشتن ثبات شغلی و حقوق کافی اعتراض خود را اعلام کرده و در خاتمه خواستار توقف فوری این سیاست ها، بازنگری اساسی در روند آموزش پرستاری و توجه جدی به وضعیت معیشتی و رفاهی پرستاران شده اند.

خبر دیگر مربوط به تجمع کارگران شرکت نفت مناطق مرکزی بوشهر در میدان خارتنگ دکل ۴۰ است. اعتراضات کارگران رسمی سراسری است و روزهای مختلف هفته را به خود اختصاص داده است و اهم خواست های آنها عبارتند از: اصلاح حقوق حداقلی کارگران، حذف کامل سقف حقوق کارگران مناطق عملیاتی، حذف سقف سنوات بازنشستگی، و عودت مالیات های مازاد اخذ شده طبق قوانین و عدم چپاول صندوق بازنشستگی و ادغام آن در صندوق های ورشکسته دیگر.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۴ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵

دادگاه های مردمی محاکمه شوند. نام سمیه و تمامی قربانیان این حکومت هیچگاه فراموش نخواهد شد و دور نخواهد بود روزی که جامعه را از شر جنایت اسلامی خلاص کنیم و قاتلین این عزیزان را به محاکمه بکشیم.

جان باختن سمیه عزیز را به خانواده و دوستانش و به همه مردم آزاده صمیمانه تسلیت می گوئیم و یاد عزیزش را گرامی می داریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ مهر ۱۴۰۴ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵

اعتراضات در زندان و بیرون از زندان علیه قتل سمیه رشیدی

قتل خاموش سمیه رشیدی زندانی سیاسی در زندان قرچک ورامین موجی اعتراض را در پی داشته است. شماری از زنان زندانی سیاسی اوین با تجمع در حیاط زندان و سردادن شعار مرگ بر دیکتاتور و شعارهایی علیه حکومت و مسئولان قضایی، مرگ سمیه رشیدی را "جنایت" توصیف کرده و یاد او را گرامی داشتند. این زندانیان به نشانه اعتراض از حضور در آمار روزانه خودداری کردند و تا ساعت ۹ شب به بند بازنگشتند. در بخشی از بیانیه اعتراضی آنها چنین آمده است "ما زندانیان سیاسی اوین، مرگ سمیه رشیدی را نه یک حادثه که جنایتی سازمان یافته می دانیم. او قربانی محرومیت از درمان و بی توجهی عامدانه ای شد که سالهاست جان زندانیان را تهدید می کند."

زندان زن سیاسی در قرچک ورامین با امتناع از دریافت غذا در حیاط زندان جمع شدند و شعار مرگ بر دیکتاتور و دیگر شعارهای ضد حکومتی سر دادند و دست به سرودخوانی زدند. در رابطه با وضعیت سمیه در زندان و قتل او ۴۵ نفر از این زندانیان بیانیه ای اعتراضی منتشر کردند که در بخشی، از آن چنین آمده است: "ما هم بندی های سمیه رشیدی شهادت می دهیم او تا لحظه آخر سرشار از میل به زندگی و آزادی بود و تا روزهای واپسین مصرانه پیگیر وثیقه تعیین شده به ارزش سه میلیارد تومان بود که در هر صورت خانواده اش قادر به تأمین آن نشدند. مسئولان زندان قرچک و اوین و بازپرسی دادگاه کجوی با اطلاع کامل از شرایط سلامتی او با گذشت نزدیک به پنج ماه اقدامی برای تسهیل آزادی او نکردند. اکنون که سمیه عزیزمان قربانی بی کفایتی و دروغ پردازی های عامدانه و همیشگی شده است، اخطار می دهیم «سمیه» های دیگر نیز همچنان در کنار ما و در سایر زندان های جمهوری اسلامی در بند هستند و سلامتی شان در خطر است. شهادی بر این ادعا از دست دادن جان دو نفر از زندانیان جرائم عمومی در زندان قرچک در هفته پیش در سکوت و بی خبری است. ما تکرار چنین فاجعه ای را بر نمی تابیم و هرچه زودتر خواهان اقدامات لازم جهت آزادی زندانیان بالای ۶۰ سال و نیز هم بندی هایمان با شرایط خطرناک سلامتی هستیم. ما تکرار چنین فاجعه ای را بر نمی تابیم و هرچه زودتر خواهان اقدامات لازم جهت آزادی زندانیان بالای ۶۰ سال و نیز هم بندی هایمان با شرایط خطرناک سلامتی هستیم."

شورای بازنشستگان ایران در بیانیه ای تحت عنوان "سمیه رشیدی تکرار قتل بکتاش آبتین!" می نویسد: "همان گونه که زهرا کاظمی، ستار بهشتی، آبتین و... کشته شدند، سمیه هم به قتل رسید. او یک کارگر معترض به شرایط خفت بار زندگی بود. ترس از ادامه جنبش زن، زندگی آزادی، حکومت را مستأصل کرده و چاره کار را در ارباب جامعه با زندان و چوبه های دار می بیند." در بخشی پایانی این بیانیه چنین آمده است: "تأمین سلامت و جان زندانی با هر اتهام و عقیده ای از حقوق اولیه یک زندانی است که در این سیستم به طرز وقیحانه ای نادیده گرفته شده است. اما شما، نه می توانید مردم مترصد فرصت را منکوب کنید و نه می توانید جامعه را به عقب برگردانید. سمیه در بی دفاع ترین شرایط ممکن جانش را از دست داد و مردم این فاجعه را نه می بخشند و نه فراموش

اعتراضات کارگران نفت پرسنل بیمارستان رازی و کادر درمان رفسنجان، و دو خبر دیگر

ادامه اعتراضات کارگران پالایشگاه پارس جنوبی

امروز پنجم مهرماه کارگران پالایشگاه فاز ۱۴ مجتمع گاز پارس جنوبی بار دیگر در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماهه مزد و خطر اخراج خود از کار تجمع کردند و با بستن درب ورودی اصلی پالایشگاه از هر گونه ترددی جلوگیری کردند. در این روز زیر فشار کارگران دادستان کنگان به پالایشگاه رفته و از پرداخت معوقات مزدی کارگران ظرف ۴۸ ساعت خبر داد. اما کارگران که باوری به وعده و وعیدها ندارند به اعتراض خود ادامه داده و می گویند تا وقتی مزد آنها به حساب هایشان واریز نشود و دیگر خواست هایشان پاسخ نگیرد، به اعتراض ادامه خواهد داشت.

کارگران رسی نفت

اعتراضات کارگران رسمی نفت برای پیگیری مطالبات خود در روزهای مختلف هفته جریان دارد. روز گذشته چهارم مهرماه این کارگران در شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری تجمع داشتند. خواست اصلی کارگران رسمی افزایش حقوق هاست و مطالبات فوری آنان عبارتند از: "پرداخت کامل حقوق، حذف سقف حقوق و سنوات بازنشستگان، اصلاح کف حقوق کارگران جدیدالاستخدام، برگرداندن مالیات های اخذ شده، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن، عدم دست اندازی به صندوق بازنشستگی نفت.

تجمع پرسنل بیمارستان روان پزشکی رازی و پرستاران و ماماها رفسنجان

امروز شنبه پنجم مهرماه کادر درمان بیمارستان روان پزشکی رازی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود تجمع کردند. بنا بر خبر از سال گذشته حقوق و مزایای این پرسنل پرداخت نشده است. امروز همچنین دهها پرستار و مامای شاغل در مراکز درمانی رفسنجان در اعتراض به بدقولی های مالی و با فریاد "معوقات ما را بدهید!" مقابل دفتر مرکزی دانشگاه علوم پزشکی این شهر تجمع کردند.

پرونده سازی برای یک مدرسه در یاسوج

طبق گزارشات در آغاز سال تحصیلی در یاسوج، یک مدرسه دخترانه به دلیل برگزاری جشن با موسیقی زنده، از طرف آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد مورد برخورد قرار گرفت و تحت عنوان برگزاری مراسم "مغایر شئون اسلامی" پرونده مدرسه به اداره حراست و شورای نظارت بر مدارس غیردولتی ارسال شده است. اعتراض به این موضوع به بحثی داغ در مدیای اجتماعی تبدیل شده است.

اعتراض اهالی طرقرود به خاطر مشکلات زیست محیطی

روز جمعه ۴ مهرماه اهالی طرقرود اصفهان در اعتراض به پیامدهای تخریبی زیست محیطی فعالیت معادن در این منطقه تجمع کردند. به گفته معترضین قنات گرداب، شریان حیاتی طرقرود، بر اثر بهره برداری های مخرب معدنی در آستانه خشک شدن قرار گرفته و ادامه این روند نه تنها به نابودی منابع آبی، بلکه به تهدیدی جدی برای حیات و کشاورزی منطقه تبدیل خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مهر ۱۴۰۴ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در چندین شهر

اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد

امروز ششم مهرماه بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد همچون هفته های گذشته در شهرهای اهواز، رشت، تهران، و اصفهان در اعتراض

به مشکلات معیشتی خود دست به تجمع زدند.

طبق گزارشات در این روز جمعی از بازنشستگان فولاد اصفهان برای پیگیری اعتراضات خود به تهران آمده و در مقابل وزارت کار و تعاون تجمع کرده و با بازنشستگان تأمین اجتماعی در این محل همراه شدند و تجمع شور دیگری به خود گرفت و جمعیت با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" کل جامعه را به اتحاد مبارزاتی علیه بساط فقر و بی تاملینی و سرپا فساد فراخواندند. سپس در ساعت یازده صبح بازنشستگان تأمین اجتماعی با راهپیمایی و شعار به سمت غرب سازمان حرکت کردند و با افزوده شدن جمعی دیگر به صف آنان دوباره به مقابل سازمان برگشتند و شعاردهی ها شدت گرفت. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان در شعارهای خود بر آزادی کارگر بازنشسته داوود رضوی، معلم بازنشسته مسعود فرهیخته و شریفه محمدی فعال کارگری که خطر اعدام او را تهدید می کند، تأکید کردند.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل اداره کل این سازمان در استان خوزستان تجمع داشتند. این بازنشستگان شعار می دادند: "کارگر زندانی، بازنشسته زندانی، معترض زندانی، آزاد باید گردد"، "ننگ ما ننگ ما دولت الینگ ما"، "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "درمان رایگان، حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، یکشنبه ها می آییم"، "رفاه، آسایش، زندگی حق مسلم ماست"، "معیشت، منزلت، درمان رایگان حق مسلم ماست"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون".

در رشت نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی تجمع داشتند و با شعار "کارگر زندانی، معلم زندانی، آزاد باید گردد" صدای اعتراض خود را علیه سرکوبگری های حکومت بلند کردند.

در اصفهان و اهواز نیز بازنشستگان فولاد و معدن در برابر "صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد" در اعتراض به سطح نازل حقوق ها و اجرانشدن همسان سازی، و عدم تحقق مطالبات خود با فریاد " فولادی! داد بزن! حق تو فریاد بزن!" تجمع داشتند. در اصفهان این بازنشستگان راهپیمایی کرده و با شعار "ای مسئولین حیا کنید، مشکل ما را حل کنید" خشم و اعتراض خود را فریاد زدند.

گفتنی است که بخش های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه برای ساعت ده صبح سه شنبه هشتم مهرماه تحت عنوان "موعودی برای اتحاد بزرگ ما" فراخوان به تجمع داده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ شهریور ۱۴۰۴ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۵

اخباری از اعتراضات بخش های مختلف مردم علیه

شرایط معیشتی و زیستی

داوطلبان استخدامی، نانوایان اهواز، رانندگان کامیون، کارمندان دانشگاه شریف، ساکنین شهرک فرهنگیان، لوکوموتوررانان، دانشجویان خواجه نصیرالدین، اعتصاب غذا در زندان

داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش

امروز ششم مهرماه جمعیت پرشماری از داوطلبان آزمون استخدام آموزش و پرورش در اعتراض به نتایج آزمون استخدامی خواهان تجدیدنظر در به کارگیری ضریب و امتیازاتی شدند که باعث شده هزاران نفر از آنها با درصد و نمرات قبولی بالا از استخدام محروم بمانند. تجمع کنندگان شعار می دادند: "نه امتیاز نه ضریب، کارنامه بدون تبعیض"

این داوطلبان که بسیاری از آنان از شهرستان های مختلف به تهران می آیند طی نزدیک به دو ماه گذشته بارها در مقابل سازمان بازرسی و ساختمان شورای انقلاب فرهنگی و دیگر نهادهای حکومتی تجمع داشته اند. در این تجمع جمعیت قابل توجهی شرکت داشتند.

تجمع اعتراضی نانوایان اهواز و مشهد به عدم پرداخت یارانه ها

سیستماتیک در زندان‌ها خصوصاً در زندان قرچک به‌خاطر محرومیت از دارو و درمان دانسته و آن را محکوم کرده‌اند. در این اعتراض بر بسته‌شدن قتلگاه قرچک و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تأکید شده است. وسیعاً به این موج اعتراضی پیوندیم.

آخرین خبر مربوط به امروز ششم مهرماه دیدار جمعی از معلمان و فعالین صنفی استان البرز با خانواده معلم زندانی مسعود فرهیخته بود. دیدارهای همبستگی با خانواده‌های معلمان زندانی بخشی از کارزار معلمان برای آزادی همکاران دربند و علیه سرکوبگری‌های حکومت است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مهر ۱۴۰۴ - ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۵

راهپیمایی باشکوه کارگران گروه ملی فولاد

در خیابان‌های اهواز

کارگرمی میرد، ذلت نمی‌پذیرد

امروز هفتم مهرماه بار دیگر خیابان‌های اهواز به صحنه اعتراض و راهپیمایی شمار زیادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز تبدیل شد و شعارهای اعتراضی آنان بر فضای خیابان‌ها طنین انداخت. کارگران شعار می‌دادند "کارگرمی میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

کارگران گروه ملی فولاد بیش از دو هفته است که در اعتراض به سر می‌برند و امروز با اولتیماتومی از قبل اعلام شده ابتدا در مقابل استانداری تجمع کردند و بعد در صحنی گسترده و بزرگ به سوی فرمانداری راهپیمایی کرده و شعارهای اعتراضی سر دادند. در بازار اهواز و مقابل فرمانداری کارگران معترض خشمگینانه پاسخ نیروی انتظامی را می‌دادند و به اعتراض ادامه می‌دادند. مقصد بعدی آنها راهپیمایی به سوی ساختمان مدیریت بانک ملی استان و تجمع در مقابل آن بود. در صف این اعتراض کارگرانی از مراکز دیگر کارگری در شهر اهواز از جمله از کارگران نفت و همچنین شماری از کارگرانی که از شهرهای اطراف آمده بودند، نیز شرکت داشتند و بار دیگر کارگران گروه ملی فولاد اهواز با اعتراض قدرتمند خود این شهر را به تحرک در آوردند. در این حرکت اعتراضی کارگران شعار می‌دادند "فرماندار، استاندار، نوکر بی‌اختیار"، و "همشهری به هوش باش، اهواز صاحب ندارد".

کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه مرداد و شهریور، راه‌اندازی خطوط تولید تعطیل شده، بیمه تکمیلی مناسب و پرداخت به‌موقع بیمه‌های خود هستند. این کارگران به مدیران فاسد این شرکت که وضع تولید را به بحران کشانده و حقوق کارگران را بالا می‌کشند معترض هستند.

گروه ملی فولاد اهواز همواره یک کانون داغ اعتراضات کارگری بوده و یک نقطه قدرت آن در سازماندهی اعتراض بزرگ و اتکا به تصمیم‌گیری در مجمع عمومی است. حزب کمونیست کارگری بر حمایت دیگر مراکز کارگری و بخش‌های مختلف مردم در شهر اهواز از اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز و همبستگی سراسری با این کارگری تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۴ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

۷ مهر: تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در ۱۲

شهر و تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش و

اخباری دیگر

تجمعات بازنشستگان مخابرات در ۱۲ شهر

امروز بازنشستگان مخابرات همانند دو شنبه‌های گذشته در شهرهای مختلف علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسگری‌های سهام‌داران عمده نهاد

۶ مهر ۱۴۰۴، نانوهای اهواز مقابل استانداری تجمع کردند. دلیل اعتراضشان روشن است: پرداخت نشدن یارانه‌ها که زندگی و فعالیت آنها را با مشکل جدی مواجه کرده است. در همین رابطه روز گذشته نیز نانوایان در مشهد با فریاد "یارانه نان ما کجاست؟" مقابل استانداری تجمع داشتند.

دومین روز تجمع رانندگان کامیون مقابل ساختمان وزارت صمت

امروز یکشنبه ششم مهر جمعیت قابل‌توجهی از رانندگان کامیون‌های وارداتی در اعتراض به ترخیص نشدن کامیون‌هایشان بار دیگر مقابل ساختمان وزارت صمت، معدن و تجارت تجمع کردند. این رانندگان ماه‌ها است که به دلیل ترخیص نشدن کامیون‌های وارداتی خود، سرگردانند و زیان‌های زیادی به آن‌ها وارد شده است.

تجمع کارمندان دانشگاه شریف در اعتراض به مشکلات معیشتی

امروز ششم مهرماه کارمندان دانشگاه شریف، با تجمعی مقابل ساختمان معاونت اداری - مالی، در اعتراض به مشکلات معیشتی و وخیم‌تر شدن هر روز زندگی خود تجمع و راهپیمایی کردند.

تجمع مردم شهرک فرهنگیان در همدان به نصب دکل مخابراتی

امروز ششم مهرماه کارمندان جمعی از مردم شهرک فرهنگیان در اعتراض به نصب دکل مخابراتی دست به تجمع زدند. نیروهای رژیم برای مقابله با این اعتراض از اسپری فلفل استفاده کردند و یک نفر نیز مجروح شد. در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود.

اعتراض لوکوموتیورانان راه‌آهن و کارگران کارخانه چینی تقدیس

در روز گذشته پنجم مهرماه لوکوموتیورانان راه‌آهن از شهرهای مختلف کشور در اعتراض به شرایط کاری خود و حقوق‌های پایین، مقابل وزارت راه و شهرسازی در تهران تجمع کردند.

در این روز کارگران کارخانه چینی تقدیس گناباد نیز در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق. خود دست از کار کشیدند و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

با آغاز سال تحصیلی جدید اعتراضات دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف گسترش می‌یابد امروز ششم مهرماه دانشجویان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی در سراسر "پردیس ونک"، در اعتراض به کارکرد مدیریت فاسد این دانشگاه، از جمله افزایش تعرفه غذای دانشجویان نوبت دوم، حذف سرویس‌های خوابگاه دخترانه اندیشه و مشکلات آموزشی خود دست به تجمع و بست نشینی زدند. روز گذشته پنجم مهرماه دانشجویان خوابگاه جی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نیز در اقدامی اعتراضی، غذای خوابگاه را تحریم کرده و از خوردن آن خودداری کردند. در این حرکت اعتراضی دانشجویان معترض با چیدن ردیفی ظروف غذای توزیع‌شده نارضایتی خود را از کیفیت بد غذا که بارها به‌خاطر آن اعتراض داشته‌اند اعلام کردند.

در این روز دانشجویان دانشکده‌های توان‌بخشی و مدیریت دانشگاه علوم پزشکی نیز در اعتراض به انتقال خود به پردیس صدرا دست به اعتصاب و تجمع زدند.

اعتصاب غذای مهدی فراچی شانندیز در اعتراض به مرگ سمیه

رشیدی

مهدی فراچی شانندیز معلم زندانی و از بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر از روز گذشته پنجم مهرماه در اعتراض به مرگ زندانی سیاسی سمیه رشیدی به دلیل محرومیت از دارو و درمان و وضعیت ضدانسانی زندان قرچک و عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان دست به اعتصاب غذا زد. فراچی شانندیز در بند هفت زندان اوین به سر می‌برد. قتل خاموش سمیه رشیدی با اعتراضات بسیاری در درون زندان‌ها و در مدیای اجتماعی روبرو شده است. در اعتراض به این موضوع تشکل‌های مختلف کارگری - اجتماعی طی بیانیه‌هایی مرگ خاموش سمیه را نمونه‌ای دیگر از قتل‌های

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مهر ۱۴۰۴ - ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

جمهوری اسلامی قاتل سمیه رشیدی است

امروز سوم مهرماه ۱۴۰۴ سمیه رشیدی مهرآبادی ۴۲ساله کارگر و از زندانیان سیاسی در زندان قرچک ورامین درحالی که در کما بود، در بیمارستان مفتوح تهران درگذشت. سمیه به خاطر محرومیت از دارو و درمان و پس از تحمل ضربات و شکنجه در زندان جان باخت.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) قتل عامدانه سمیه رشیدی مهرآبادی توسط جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده و تمامی مسئولان نظام قاتل و جنایت کار جمهوری اسلامی را مسئول این جنایت می‌داند. ما جان‌باختن سمیه عزیز را به خانواده‌اش و به همگان تسلیت می‌گوییم.

سمیه رشیدی کارگر برش کار در یک کارگاه تولیدی خیاطی بود و قبل از آن نیز در کارگاه لوستر کار می‌کرد. او در چهارم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ در محله جوادیه تهران به جرم شعارنویسی بازداشت شده بود و شکنجه‌گران حکومت درحالی که سمیه به بیماری صرع مبتلا بود، او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند به نحوی که ضرباتی به سر، صورت، پاها، و شکم او وارد آمد و حتی در اقدامی خشونت‌بار سر او را به دیوار کوبیدند و او را مورد شکنجه قرار دادند.

سمیه پس از بازداشت به مدت دو روز در بازداشتگاه آگاهی ۱۵ خرداد نگهداری شد و سپس به بند زنان زندان اوین منتقل گردید. بعد از آن به دنبال حمله ۲ تیر ۱۴۰۴ اسرائیل به زندان اوین، او همراه با سایر زندانیان به زندان زنان قرچک منتقل گردید.

سمیه رشیدی بعد از انتقال به زندان قرچک چندین بار به خاطر وخامت حالش به بهداری زندان مراجعه کرد تا مورد مداوا قرار گیرد؛ اما به او گفته شد که تمارض می‌کند و با دادن قرص‌های اعصاب و غیرمرتبط به بیماری‌اش از اعزام او به بیمارستان خودداری کردند. تا اینکه که در همین شهریورماه چندین بار دچار تشنج و بی‌هوشی شد و نهایتاً در ۲۵ شهریور ۱۴۰۴ به بیمارستان منتقل گردید. در آنجا سطح هوشیاری رشیدی به ۵ رسید و بعد از مدتی به کما رفت. باکمال تأسف امروز پنجشنبه سوم مهرماه ۱۴۰۴ سمیه رشیدی جان خود را از دست داد.

سمیه رشیدی قبلاً نیز در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بازداشت شده بود، اما در بهمن ۱۴۰۱ در پی "عفو" زندانیان مرتبط با آن اعتراضات از زندان آزاد شده بود. بعد از آن او در سال ۱۴۰۲ با اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت و در آذر ۱۴۰۳ به صورت مشروط آزاد شده بود.

آنچه بر سمیه گذشت، داستان قتل خاموش زندانیان به دست جنایت‌کاران جمهوری اسلامی در زندان‌هاست. مرگ سمیه زنگ خطر را در مورد وضعیت زندانیان بار دیگر به صدا درآورده است. جان زندانیان در خطر است و شرایط اسفناک زندان‌ها و محرومیت از دارو و درمان از جنایتی سیستماتیک در زندان‌های ایران حکایت می‌کند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) از تمامی اتحادیه‌های کارگری جهانی و نهادهای انسان‌دوست انتظار دارد که با محکوم کردن قتل سمیه رشیدی این فعال کارگری و سیاسی توسط جمهوری اسلامی، به سازمان جهانی کار و نهادهای بین‌المللی فشار بیاورند که حکومت اسلامی مورد مؤاخذه جهانی قرار گیرد. سران جمهوری اسلامی باید به خاطر همه جنایاتشان در دادگاه‌های بین‌المللی به محاکمه کشیده شوند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت و از مراجعی چون سازمان جهانی کار اخراج شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

۳ مهر ۱۴۰۴، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵

موسوم به "ستاد فرمان امام" تحت کنترل خامنه‌ای و تعاون سپاه تجمع و راهپیمایی کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای میوان، تبریز، سنج، کرمانشاه، تهران (سردار جنگل)، بیجار، زنجان، بروجرد، اصفهان، بابل، شیراز، همدان و اصفهان برگزار شدند.

تجمع بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شوش نیز امروز علیه فقر و مشکلات معیشتی خود تجمع داشتند. در تجمع امروز بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت‌تپه و شوش گردآمده بودند و شعار می‌دادند: "ننگ ما، ننگ ما، صد او سیما ما!"، "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه!"، "حسین حسین، شعارشان - دزدی و دروغ، کارشان!"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت!"، و "از خوزستان تا گیلان، ننگ بر این مدیران!" بازنشستگان تأمین اجتماعی روز گذشته نیز در شهرهای تهران و کرمانشاه تجمع کرده بودند.

تجمع کارگران شرکت گیلراد رشت

امروز هفتم مهر کارگران شرکت گیلراد در رشت در اعتراض به وضع وخیم معیشتی خود و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان صدای اعتراض خود را رسانه‌ای کردند. به گفته این کارگران با گذشت یک ماه از اعتراضات اخیر آنان از خردادما تا کنون مزدی دریافت نکرده و هفت ماه است که پرداخت بیمه آنها قطع شده و قراردادهای جدید تنها برای امضا آورده می‌شود و روند فرسایشی دارد. این کارگران در همین رابطه قبلاً نیز تجمعاتی برپا کرده بودند. مدیریت شرکت وعده داده بود که تا بیست شهریور مطالبات آنها پرداخت شود، اما اقدامی صورت نگرفت.

تجمع نانوایان در اصفهان و مشهد

نانوایان در اصفهان و مشهد در اعتراض به عدم واریز یارانه‌های نان و علیه مافیای نانینو در مقابل استانداری تجمع کردند. به گفته نانوایان دولت از تیرماه سال جاری تاکنون یارانه آنها را پرداخت نکرده است و این وضعیت فشار معیشتی سختی بر آنها وارد کرده است. نانوایان در اصفهان فریاد می‌زدند که زندگی و کسب‌وکار آنها با وعده‌های پوچ دولت به بن‌بست رسیده است. در مشهد نانوایان با فریاد "وعده‌ووعد کافیه، سفره ما خالیه!" صدای اعتراض خود را بلند کردند. این نانوایان در روز گذشته نیز تجمع داشتند و با فریاد "یارانه نان ما کجاست؟" حقوق خود را طلب می‌کردند. در روز گذشته نانوایان اهواز نیز تجمع داشتند.

تجمع رانندگان ون‌های فرسوده مشهد

امروز هفتم مهرماه رانندگان ون‌های فرسوده مشهد در اعتراض به وضعیت نابسامان حمل‌ونقل تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کشاورزان خوزستان

روز گذشته ششم مهرماه کشاورزان خشمگین در اهواز در اعتراض به کم‌آبی و خسارات سنگین ناشی از آن در مقابل استانداری تجمع بزرگی برپا کردند. در این تجمع اعتراضی کشاورزان معترض علت این وضعیت را نهادهای مسئول اعلام کرده و فریاد می‌زدند: ما قربانی بی‌برنامگی و بی‌تفاوتی مدیرانی شده‌ایم که فقط وعده می‌دهند. یکی از کشاورزان با صدای بلند خطاب به مسئولان گفت: "جهاد کشاورزی هنوز الگوی کشت را به سازمان‌ها معرفی نکرده است. سازمان آب و برق سهمیه تعیین نکرده است. مدیریت بحران هم پاسخگو نیست. معاونت اقتصادی و شورای کشاورزی هیچ اقدام عملی انجام ن داده‌اند. ما کشاورزان توپ فوتبال ادارات شده‌ایم. این چه مدیریتی است که در مهرماه و آغاز فصل کشت هنوز برنامه‌ای ندارد؟ آقایان معاون و مدیر زراعتی، استان را به ورطه نابودی کشانده‌اند. این وضعیت دیگر تحمل‌پذیر نیست."

بحران جدی آب یکی از تبعات بحران عمیق اقتصادی حکومت و سیاست‌های تخریبی زیست‌محیطی حکومت مافیایی جمهوری اسلامی است که زندگی و معیشت مردم و از جمله کشاورزان را به نابودی کشانده است. کشاورزان یک نیروی مهم این اعتراضات هستند و یک کانون داغ اعتراضات آنها در خوزستان و اصفهان است.

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۸ شهریور تا ۴ مهر ۱۴۰۴

جمعه ۴ مهر ۱۴۰۴

پایان دادن به اختلاسگری‌های پشت پرده هستند. تغییرات برنامه رفت‌وآمد کارکنان بدون هماهنگی با آنان نیز این کارگران را دچار مشکل کرده و موضوع اعتراض آنهاست.

سه‌شنبه ۱ مهر:

- کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته هشتاد و هفتم در ۵۲ زندان کشور تداوم یافت. زندانیان در زندان‌های شیبان اهواز، سپیدار اهواز (بند زنان و مردان) و زندان بهبهان از جمله شرکت‌کنندگان در این کارزار هستند.

- کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به تأخیر دوماهه در پرداخت مزد خود تجمع کردند. دستمزدهای معوقه یک معضل سراسری در جنبش کارگری و در سطح جامعه است. از همین رو اعتراض علیه تعویق پرداخت دستمزدها هر روزه در شهرهای مختلف جریان داد. این اعتراضات کل بساط چپاول و دزدی حاکم را به چالش می‌کشد. گستردگی این اعتراضات ظرفیت سراسری شدن آنها را نشان نمی‌دهد.

- یکی از کارگران در تالاب شادگان هنگام عملیات اکتشاف نفت آسیب دید. اما برای حمل او حتی یک برانکارد آورده نشد و کارگران او را کشان‌کشان بر روی زمین برای رساندن به پزشک و درمان از محل بردند. درحالی‌که میلیاردها تومان حاصل دسترنج کارگران در شرکت نفت توسط غارتگران و رانت داران حکومتی به غارت می‌شود کارگران در شرایط ناامن کاری و محروم از اولیه‌ترین امکانات درمانی جانشان در خطر است. عدم ایمنی محیط کار و محرومیت از درمان باکیفیت و رایگان از جمله موضوعات اعتراضات کارگران نفت بوده است.

- وضعیت جسمانی یوسف سواری، زندانی سیاسی محبوس در بند ۵ زندان شیبان اهواز، به شدت بحرانی است. طبق گزارشات یوسف سواری در روزهای اخیر بارها دچار حملات شدید تنگی نفس شده و قادر به خوابیدن نیست. باوجود شدت وخامت حال او، مسئولان زندان تاکنون اقدامی برای انتقال او به بیمارستان خارج از زندان انجام ندادند.

یوسف سواری به گفته برادرش عیسی از بیماری ریوی رنج می‌برد و در روزهای اخیر وضعیت تنفسی او به شدت وخیم شده است. او هنگام درازکشیدن دچار حالت خفگی می‌شود و خانواده وی بارها درخواست انتقال یوسف به مراکز درمانی خارج از زندان کرده‌اند. اما اقدامی صورت نگرفته است. یوسف سواری اهل منطقه ابوحمیظه شهر خفاجیه است. او در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۹۷ توسط اطلاعات سپاه در خفاجیه بازداشت شد و پس از چند ماه شکنجه در بازداشتگاه اطلاعات سپاه امام علی (ع) اهواز، به اتهام "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران" و "ارتباط با گروه‌های معاند" به یک سال حبس تعزیری و چهار سال حبس تعلیقی محکوم شد. سواری پس از یک سال و نیم بلاتکلیفی در زندان شیبان، در اسفند ۱۳۹۸ با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. باوجود پایان دوره محکومیت اولیه، دادگاه انقلاب اهواز در تیرماه ۱۴۰۲ حکم او را به ۶ سال حبس و ۴ سال حبس تعلیقی تغییر داد که این حکم در شعبه ۱۷ تجدیدنظر تأیید شد. در تاریخ ۹ بهمن ۱۴۰۲، پس از احضار او به شعبه هشتم اجرای احکام دادگاه انقلاب اهواز، یوسف سواری به زندان شیبان منتقل و اجرای حکم شش‌ساله او آغاز شد.

زندان شیبان اهواز از جمله بدنام‌ترین زندان‌های ایران به شمار می‌رود که گزارش‌ها از وضعیت نامناسب بهداشتی، کمبود امکانات پزشکی و فشار بر زندانیان سیاسی حکایت دارد. بسیاری از زندانیان سیاسی در این

جمعی از کارگران شهرداری کوت عبدالله صدای اعتراض خود را علیه تعویق پرداخت دو ماهه مزد و هزینه‌های سنگین زندگی خصوصاً هزینه‌های کتاب و لباس و ثبت‌نام در آغاز سال تحصیلی رسانده‌ای کردند. بنا بر گزارشات حدود پانصد نفر از کارگران این مجموعه سال‌هاست در بخش‌های مختلف مشغول به کار هستند. به طور معمول می‌باید حقوق ماهیانه کارگران معمولاً در بیستم هر ماه واریز شود؛ اما همواره به تعویق می‌افتد و اکنون دو ماه است مزدی نگرفته‌اند. بسیاری از این کارگران ۲۰ سال سابقه کار دارند؛ اما همواره با مشکلات معیشتی روبرو هستند. بسیاری از آنها اجاره‌نشین هستند و برای تأمین مخارج زندگی خود ناگزیرند در جاهایی دیگر هم کار قبول کنند و بعد از پایان ساعات کاری، به سراغ شغل‌هایی مثل بنایی یا جمع‌آوری ضایعات و غیره بروند تا بتوانند معیشت خود را تأمین کنند. کارگران شهرداری کوت عبدالله بارها به‌خاطر این مشکلات تجمع و اعتراض برپا کرده‌اند.

پنجشنبه ۳ مهر:

- مسعود جامعی، زندانی سیاسی اهل خوزستان، نگهبان چاه‌های نفت، متأهل و دارای ۴ فرزند، در تاریخ ۱۰ مردادماه ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او پس از دستگیری، به بازداشتگاه مرکزی اداره کل اطلاعات این استان منتقل گردید و پس از گذراندن بازجویی‌های طولانی و تفهیم اتهامات، نهایتاً به زندان شیبان اهواز منتقل شد. مسعود جامعی به سرطان بدخیم معده مبتلا است و بعلاوه از بیماری‌های دیگری نظیر عفونت شدید داخلی، سردردهای عصبی، نارسایی کبد و کلیه و همچنین فشارخون بالا رنج می‌برد. علاوه بر این، او همچنین به دلیل شرایط بسیار بد زندان و سوءتغذیه، به بیماری کبد چرب مبتلا شده است. بنا بر گزارش‌ها، شکنجه‌های دوران بازجویی و فشارهای روحی و جسمی زندان موجب تشدید این بیماری‌ها شده‌اند. مسعود جامعی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شود.

چهارشنبه ۲ مهر:

- کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز در دوازدهمین روز اعتراض خود بنا بر اولتیماتوم قبلی و در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواست‌ها و خلف وعده‌ها در محوطه شرکت تجمع کردند. در این روز زیر فشار اعتراض کارگران فرماندار اهواز در جمع کارگر حاضر شد و بار دیگر وعده رسیدگی به خواست‌های کارگران را داد و خواستار آرامش آنان شد.

کارگران فولاد اهواز دو هفته است که در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه و تحقق دیگر مطالباتشان در اعتراض به سر می‌برند. این کارگران اعلام کرده‌اند که تا وقتی پاسخ نگیرند همچنان به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. موضوعات فوری اعتراضی این کارگران عبارت‌اند از: به تعویق افتادن پرداخت دو ماه دستمزد، عدم تأمین بیمه تکمیلی، کاهش اضافه‌کاری‌ها که موجب کاهش دستمزدها شده، قطع وعده‌های غذایی، تغییرات برنامه رفت‌وآمد کارکنان بدون هماهنگی با آنان، کاهش سطح تولید و دزدی‌های پشت پرده که شغل و معیشت آنان را به خطر انداخته است

این کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزدهای معوقه، تأمین بیمه تکمیلی مناسب، عدم تأخیر در واریز بیمه‌ها، بهبود وضعیت قراردادهای کاری، راه‌اندازی فوری خطوط تولید و شفافیت در اداره شرکت و

زندان، از جمله یوسف سواری، از کمبود رسیدگی‌های پزشکی رنج می‌برند و بارها برای درمان‌های ضروری خود درخواست انتقال به مراکز درمانی خارج از زندان را ارائه کرده‌اند که معمولاً نادیده گرفته شده است

دوشنبه ۳۱ شهریور:

- بازنشستگان مخابرات در چهارده شهر از جمله در اهواز تجمع کردند. اعتراض به گرانی، فقر و بی‌تامینی، جنگ‌افروزی‌های حکومت، بساط سرکوبگری‌های حکومت و چپاول و دزدی موضوعات سراسری اعتراضات بازنشستگان و همه مردم است.

- پنج زندانی سیاسی محبوس در بند ۵ زندان شیپان اهواز شامل مختار آلبوشوکه، مصطفی هلیچی، رضا حزباوی، عباس ساعدی و عامر مجاسبه، از طریق ویدئوکنفرانس آخرین دفاعیات خود را در برابر اتهام «عضویت در گروه باغی» ارائه کردند. این جلسه با حضور بازپرس شعبه ۱۳، لریک، برگزار شد و پرونده پس از آن برای صدور رأی نهایی به دادگاه انقلاب اهواز ارجاع شد.

طبق گزارشات مصطفی هلیچی و رضا حزباوی، شاعر و فعال مدنی، در آذرماه ۱۴۰۳ توسط پلیس امنیت عمومی فراجا (واپا) بازداشت و ابتدا به بازداشتگاه این نهاد منتقل شدند. سپس بعد از یک ماه، هر دو به زندان شیپان اهواز انتقال یافتند. سه زندانی سیاسی دیگر، مختار آلبوشوکه، عباس ساعدی و عامر مجاسبه، نیز یک هفته پس از بازداشت مصطفی هلیچی و رضا حزباوی، به بازداشتگاه پلیس امنیت منتقل و تحت شکنجه‌های شدید جسمی قرار گرفتند.

گزارش‌ها حاکی از وخامت وضعیت جسمی این پنج زندانی سیاسی است. شکنجه‌های جسمی و روانی باهدف ارباب زندانیان سیاسی و اعتراف‌گیری از آنها ادامه دارد.

یکشنبه ۳۰ شهریور:

- بازنشستگان فولاد و معدن در اهواز مقابل صندوق بازنشستگی تجمع و راهپیمایی داشتند و با شعار " فولادی داد بزن / حقتو فریاد بزن ". پیگیر مطالبات خود شدند.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر از جمله در اهواز و شوش برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و گرانی و بی‌تامینی، به اختلاس‌ها و چپاولگری‌ها و بساط سرکوب حکومت

است.

- کارگران رسمی شرکت نفت و گاز در شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اعتراض به محدودیت‌های حقوقی و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند.

شنبه ۲۹ شهریور:

- بیش از نیمی از زندانیان زندان شیپان اهواز دچار مسمومیت غذایی شدند. به گفته زندانیان مرغی که به‌عنوان غذای اصلی به آن‌ها داده می‌شود «رنگی تیره و متمایل به قهوه‌ای» دارد و ظن «مریض یا مرده بودن مرغ‌ها» را در میان زندانیان افزایش داده است.

زندانیان با محرومیت از تغذیه، درمان و بهداشت مناسب، در واقع محروم بودن از ابتدایی‌ترین حقوق خود جانشان در خطر است.

جمعه ۲۸ شهریور ۱۴۰۴

- بر اساس یک ابلاغیه رسمی، فروغ خسروی، معلم مقطع ابتدایی و ساکن بهبهان، برای ارائه آخرین دفاعیات خود به شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب این شهر فراخوانده شد. قبل از آن کوکب بداغی پگاه، معلم معترض اهل ایذه، توسط هیئت تجدیدنظر تخلفات اداری آموزش و پرورش خوزستان به سه ماه انفسال از خدمت محکوم شد. کانون صنفی معلمان خوزستان به مناسبت بازگشایی مدارس با اشاره به این موارد فشارهای امنیتی به معلمان را محکوم کرده است. یک کارزار مهم در میان معلمان کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست آزادی فوری و بدون قیدوشرط همه معلمان و زندانیان سیاسی، پایان‌دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست بسته‌شدن همه پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای معلمان معترض و فعالین سیاسی و نیز علیه اعدام است. با نزدیک شدن به بازگشایی مدارس حکومت از ترس از سرگرفته شدن اعتراضات معلمان، جمهوری اسلامی فشارهای امنیتی علیه معلمان را شدت داده است. به طور سراسری علیه سرکوب و زندان و اعدام متحد شویم. تحصیل رایگان برای همه یک خواست مهم معلمان است که برای آن مبارزه کرده و هزینه داده‌اند. از اعتراضات معلمان پشتیبانی کنیم.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۳ مهرماه شهریور ۱۴۰۳ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵

گسترده‌تر از قبل بپا می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم!

ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم

و بر سر دست بلند می‌کنیم.

زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال هر هفته دوشنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید